

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عالی کشور،
نخست وزیر، دادستان کل کشور، دادستان کل انقلاب

بد نیال بازداشت غیر قانونی جمعی از رهبران و اعضای حزب توده ایران، از یک مرکز واحد و سازمان یافتنی در تهران و شهرستانها و در سطح وسیع اعلامیهها، تراکتها و پوسترهایی با مضمون ضد انقلابی و نفاق افکنانه و سر تا پا توهین پر امام و جمهوری اسلامی ایران منتشر میشود که در زیر آنها اعضای ساختگی "کمیته مرکزی حزب توده ایران" یا "حزب توده ایران" گذاشته شده است.

از یک مرکز واحد و بطور کاملاً سازمان یافته، این شایعه بی پایه در میان مردم پخش میشود که گویا حزب توده ایران مشی اصولی و انقلابی خود را تغییر داده و راه مقابله خرابکارانه با جمهوری اسلامی و رهبران آن را در پیش گرفته است.

دست هائی در کارند که از یکسو تعداد کارگران را ناراضی و خشمگین میکنند و از سوی دیگر شایعه میسازند که گویا حزب توده ایران مشغول تدارک اغتشاش در کارخانههاست.

بقیه در صفحه ۲



شماره ۲۷ - اسفند ۱۳۶۱ - طابق ۲ - جمادی الاخر
۱۴۰۳ و ۱۸ - مارس ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۳۳
پهنا: ۶۰ - عرض: ۴۰

برای پیروزی انقلاب، سال نو باید به سالی برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل شود!

ندارند، اما خون خویش را بیدریغ بپای تو نهال
انقلاب می ریزند.

سال نو، سال تدارک پیروزی قطعی و نهایی است. خلق امیدوار و لبخند برب، آماده نبرد آخرین است. آماده رزم برای پیروزی قطعی و نهایی است. باید از این نیروی سترگ که در خدمت انقلاب است، بهره جست و پیروزی قطعی و نهایی را نزدیک و نزدیکتر کرد.

در سال نو باید دین خود را به شهیدان
بقیه در صفحه ۲

سال نو می آید، با امیدهای خجسته، با
آرزوهای بزرگ.

خلق به پیشواز رزم نو، که در سال ۱۳۶۱ بیگمان در راه خواهد بود، می رود. محرومان بر سفره های تحویل سال تمیناق ادامه نبرد می بندند. مردمان سرود مقاومت و پیروزی می خوانند و نبرد بزرگ را آماده میشوند.

انقلاب اکنون در گرگانه است که مدیون صبا -
حیوان اصلی خود - محرومان - است.
انقلاب مدیون آنانست که نان در سفره

مسلمانان مبارز برای تحقق عدالت اجتماعی می رزمند!

"یک عده هستند،
میخواهند کلاه سران بگذارند!"

در دو هفته اخیر مسلمانان مبارز از خود در مقابل بیورش همه جانبه راستگرایان دوباره واکنش های مثبتی نشان می دهند. واکنش و ولت مردان مردمی و پیرو خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی در حاکمیت، بیان کننده ادانبرد و خط در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی می طلبد، که برای عدالت اجتماعی فکری شود.

آیت الله موسوی اردبیلی، که خواهان پایان دادن به جنگ تحمیلی و فرسایشی است، به درستی هشدار می دهد، که باید برای انجام وظیفه ای که مسئولان و ولت مردان خط امامی در مقابل خلق و تاریخ بعهده گرفته اند، قوانین انقلابی و در خدمت منافع زحمتکشان را تصویب کرد و به اجرا درآورد.

آقای موسوی خامنه ای تصویب قوانین بنیادی ارضی تجارت خارجی دولتی و غیره را وسیله عملکرد دولت برای به جامعه عمل پوشاندن خواست توده های زحمتکش می داند و او هم تصویب این قوانین را از قوه مقننه می طلبد.

روزنامه کیهان در سلسله مقالاتی از تروریسم اقتصادی صحبت می کند و به این نکته اشاره می کند، که تروریسم "به لایح دیگری در آمده است (می خواهد) پا به پای امپریالیسم... در یک وضعیت فرسایشی و طولانی برای جنگ، ما را در داخل بیسازد و بعبیراند... و اضافه بقیه در صفحه ۶"

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

صفحه ۵

درد آتشین به زندانیان توده ای

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به مناسبت سال نو به رفیق نورالدین کیانوری و بیاران در بند و رفقای دربند!

که زندان هم صحنه نبرد دفاع از دستاوردهای انقلاب است.

در این چهار سال پس از پیروزی انقلاب از هم زندانی گرفته تا پاسدار و باز پرس بارها و بارها با پایداری توده ایها بر سر موازین خود آشنا شده اند. به چشم خود دیده اند و یاد بقیه در صفحه ۳

شما سال نور را در شرایط بغرنج و تلخی آغاز می کنید. شما به عنوان مدافعین انقلاب در زندانی نشسته اید، که جمهوری اسلامی ایران را زنده انبان آن کرد مانند تاریخچه زندگی آنها را از شما که صخره های ۲۵ ساله اند، نشان میدهند که به وظیفه تاریخی که بعهده دارید واقفید:

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

و همه این اقدامات پلید تنها پیش درآمد
رژیمهای است در جهت تدارك يك توطئه بزرگ
عده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران .
حبرهای رسیده حاشی است که سازمان
د هندگان این توطئه که بدون شك از ستوی
سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و
صهیونیستی هدایت میشوند - قصد دارند بدین
انتشار اینگونه تبلیغات دست به خرابکاری
و آتش سوزی بزنند و جنایات خود را به حساب
حزب توده ایران بگذارند . گفته میشود که گویا
" مقداری مواد منفجره وارد تهران شده " و
" چند مسجد را تخلیه کرده و برای آتش زدن
آماده کرده اند " !!

آقایان مسئولین جمهوری اسلامی ایران
بنظر میرسند نه توطئه ننکنین و فاشیستی

آتش سوزی راین تاک در کشور ما نیز در شرف
تکرار است . چنانکه میدانید در گذشته یکبار به
بهبانه " واقعه " ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و تیراندازی به
شاه توطئه حساب شده های علیه حزب ماسا
صورت گرفت و حزب ما در رابطه با آن " غیر
قانونی " اعلام گردید . پس از آن نیز در تمام
توطئه های کودتائی علیه حکومت ملی دکتر
مصدق و هم چنین در تمام طرحهای کودتائی
ضد جمهوری اسلامی ایران حزب توده ایران
یکی از آماج های اصلی این گونه توطئهگری هسا
بوده و هست . در این طرحها کودتاگران و
توطئه چینان میکوشند دست به يك خرابکاری
بزرگ بزنند و آنرا به حساب حزب توده ایران
گذاشته و در زیر پوشش آن جنایت عظیمی را
سازمان دهند .

قطب زاده معدوم صریحا اعتراف کرد که

طرح کودتائی او بر پایه " بمباران جمناران و
انداختن آن به گردن حزب توده " ایران و سپس
هجوم خونین به همه نیروهای انقلابی تنظیم
شده بود .

مرحوم آیت الله طالقانی نیز در یکی از
اظهارات خود فاش کرده بودند که در دوران
حکومت مصدق نامه های در منزل یکی از روحا -
نیون طرفدار دربار با امضا " حزب توده " ایران
خطاب به روحانیون تهیه میشد که مضمین تهدت
بد های شدید بود و حتی یکی از نویسندگان
این نامه های مجعول گفته بود از بسکه نوشتم دستم
درد گرفت . این نوع شیوه ها سابقه تاریخی
طولانی دارد و به تنها در کشور ما .

آقایان مسئولین جمهوری اسلامی ایران
توطئه های که تدارك میشود بیش از آن وسیع
و عظیم است که شما از آن بی خبر مانده باشید .

ما بدین وسیله شما را به احساس مسئولیت
دعوت میکنیم و با صراحت تمام هرگونه مشارکت
حزب توده ایران را در اینگونه تحریکات
و اقدامات قویا تکذیب کرده و براءت حزب
را از اینگونه اعمال پلید و توطئه آمیز اعلام مید
اریم .

ما از شما میخواهیم که با احساس مسئولیت
توطئه گران را تحت پیگرد قانونی قرار دهید
و نگذارید که عوامل خد انقلابی وابسته به " سیا "
و " موساد " انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
را یا خطرات جدی مواجه سازند .

ما بخیر د کسر اعلام می کنیم که
حزب توده ایران ، حزب آید یسده
انقلابی ، با تمام وجود خود به انقلاب
د امپریالیستی و سرمدمی ایران وابسته
است و هم چنان در راه اتحاد نیروهای
اصل انقلابی ایران و حمایت از جمهوری
اسلامی در برابر تحریکات امپریالیسم میزمد
و بنا به مشی اصولی خود هرگونه اقدام و شیوه
توطئه گرانه را نقر کرده و فقه به شیوه های
درست و سرمدمی مبارزه مندکی است .

تمینه مرکزی حزب توده ایران
۱۴ اسفند ۱۳۶۱

توجه

اسناد حزب توده ایران
فقط پس از انتشار در
" راه توده " برای خارج از
کشور سختیت دارند .

برای پیروزی انقلاب سال نو باید به سالی برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل شود!

بقیه از صفحه ۱

و رزمندگان جبهه جنگ عادلانه در راه دفاع از
استقلال و آزادی ایران انقلابی پرداخت .
شیطان بزرگ - آمریکا - ضد انقلاب پرورد
اش پیروز نخواهد شد مگر آنکه خلق را مایوس و
صحنه را از محرومان خالی کنند . پس باید بیه
نیازهای خلق پاسخ داد .
باید کارگران و دهقانان - این ستون
فقرات انقلاب - را حفظ کرد .

باید قانون کار انقلابی طرح و تصویب برسد .
باید تشکل صنفی کارگران را برسمیت شناخت .
باید کار را از اسارت سرمایه و حامیان سرمایه
داری نجات داد .
باید به دهقانان زمین و آب و بذر و ۰۰۰ داد .
باید قانون اصلاحات ارضی را بفتح دهقانان
بی زمین و کم زمین تصویب رساند .
باید مشکل مسکن را حل کرد و در اندیشه
سرماه برای میلیونها زحمتکش بود .

گرانی بیداد میکند . مبارزه با آن ، جز بنا
ریشه کن ساختن " تروریستهای اقتصادی " ممکن
نیست . مجلس باید لایحه دولتی کردن بازر
گانی خارجی را تصویب برساند .
سال نو ، باید ظلیعه استقرار آزادی کامل
فعالیت سیاسی در میهن ما باشد . همه
نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
باید آزادی کامل فعالیت سیاسی بیابند . و

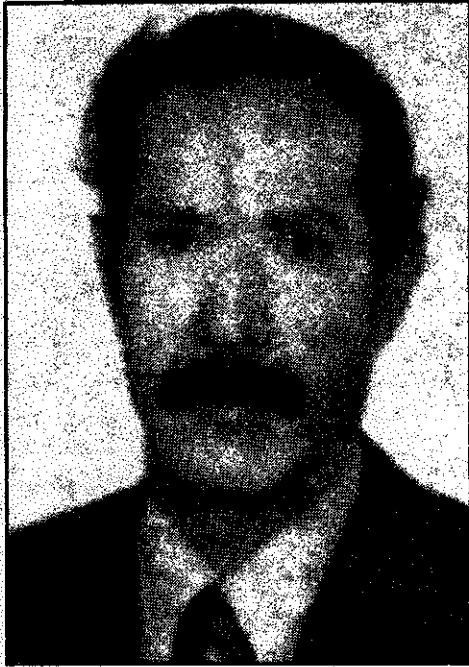
بخصوص جلوی تضییقاتی که بر حزب توده
ایران و مبارزان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
می رود گرفته و رفقای ما که به جرم واهی
" جاسوسی " دریندنده آزاد شوند ، روزنامه های
انقلابی توقیف شده باید دوباره انتشار یابند .
باید دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باز شوند .

چنین است دستور روز انقلاب .
چنین است و امی که انقلاب باید به صاحبان
خود باز دهد .
در این سفر انقلابی ، ایران قهرمان تنها
نیست . در سراسر جهان دوستان انقلاب ما
آغوش گشود هاند . این دستهای دوستی را
باید دوستانه فشرد .
و اینهمه ، امید محرومان چنین طلب میکند .
چنین اگر شود ، پیروزی قطعی نزدیک است هر
چند دست یافتن به آن آسان نیست ، کار
و پیکاری طلبید .

هیئت تحریریه " راه توده " سال نو را بیه
تمام کارگران و زحمتکشان و خوانندگان گرمی
" راه توده " تبریک گفته ، امیدوار است ، که
سال نو به سالی برای تحقق اهداف انقلابی ،
به سالی برای شکوفایی انقلاب در آنچه که مردم
در انتظار آند ، به طلیعه استقرار آزادی و
تأمین عدالت اجتماعی تبدیل گردد .

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق محمد علی عمویی : مظهر مقاومت خلق با ۲۵ سال زندان



تجربگان شتابزده در میدان نبرد سختست
عقدی در شرایطی تا مساعد بروز کرد .

رفیق عمویی در زندان به مظهر روش اصولی
توده های و سیاست درست توده های بدل شد . او
توانست نام حزب خود را بلند آوازه نگه
دارد و احترام و علاقه بسیاری از زندانیان
سیاسی را ، اعم از روحانی و مجاهد و چریک و
آزاد بخواه ، نسبت به خود ، به حزب و آرمانهای
که چنین انسانهای والا و آزاد های را پروراند
است ، جلب کند . این تجربه ای سخت و طولانی
بود . ۲۵۰ سال تمام در سیاه چالهای
شاه خائن و ساواک جنایتکار از سال ۳۳ که
بد نیال کشف شبکه سازمان نظامی حزب
شده ، ایران ، رفیق عمویی دستگیر میشود ، از
زندانیان قصر و " کمیته " و شیراز و بروجرد ،
با شرایط غیر انسانی آن میگذرد تا آبان ۵۷ که
بد نیال موج انقلابی جنبش شکوهمند خلق
و در آستانه پیروزی انقلاب ، درهای زندانها
بروی زندانیان سیاسی گشوده میشود . و رفیق
عمویی نیز آزادی خویش را همراه با ملت
تشنه استقلال و آزادی باز میابد .

پس از انقلاب رفیق عمویی با فعالیت
جوشان و پر ثمر تشکیلاتی و تبلیغاتی خود ، به
عنوان یکی از چهره های برجسته مدافع انقلاب
شناخته شد . وی در صف رهبری حزب
شده ، ایران پیگیرانه و مصمم در مبارزه حزب
بخاطر حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و
گسترش و تعمیق آن ، در اقصای چهره دشمنان
دوست نای انقلاب ، در افشای بازرگانهای
قطب زاده ها ، امیر انتظام ها ، بنی صدرها و ...
شرکت جست و درست بخاطر همین پیگیری مورد

رفیق محمد علی عمویی ، عضو هیئت سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ، ایران ، در بهمن
رهبران حزبی است که به اتهام واهی
" جاسوسی " بازداشت شده اند .

رفیق عمویی را همه کسانی که در ۲۵ سال
اخیر بر اثر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبداد
ادی سلطنتی بزدانان افتاد هاند و سازمانهای
آنان بخوبی میشناسند و یار و ینما به مظهری از
مقاومت خلق مبارز در برابر انواع فشارها و
شکنجه ها و سالهای دراز زندان ، ارج مینهند .
رفیق عمویی در سال ۱۳۰۳ در کرمانشاه
متولد شد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر
و تحصیلات متوسطه را در تهران پایان رسانید
او در سال ۱۳۲۶ وارد دانشکده افسری شد
و در سال ۲۸ از آن فارغ التحصیل گردید . اما
فعالیت سیاسی رفیق عمویی از سال ۱۳۲۴ از
همان شهر کرمانشاه شروع شده بود . او ، هنگام
یکه افسر شد ، صاحب سابقه و تجربه سیاسی
جدی بود . در صفوف حزب توده ، ایران
(سازمان نظامی) رفیق عمویی تربیت سیاسی
و اجتماعی خود را کاملتر کرد و شخصیت خود
را بعنوان مدافع صدیق و مبارز منافع زحمتکشان
و استقلال و آزادی مبین پرورش داد .

دستان رفیق عمویی میدانند که در و رای
ظاهر جدی ، چه روح پر احساس و عاطفی نهفته
است که با عشق به محرومان و آرزوی سعادت
آنان میطبد . بقول یکی از همزمان نزدیکش ،
عالیترین خصوصیات اخلاقی رفیق عمویی بویژه
در زندان ، درازیر شکنجه های مهیب جسمی و
روانی ، در برابر ایداء مداوم جلادان در مقابل
حملات ناجوانمردانه نیمه راهان وازده و بی-

کین و نفرت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و
نمایندگان سیاسی لیبرال و حجتیهای آنها
قرار گرفت . " جرم " او نیز چون " جرم سایر
رفقای دستگیر شده اش نه " جاسوسی " و
" جعل اسناد " ، بلکه دفاع آتشین از مناقع
توده های زحمتکش مردم میهن ما است .

رفیق عمویی با پشتوانه تجربه بزرگ سیاسی
و آگاهی اجتماعی اش ، با آشتی ناپذیری اش در
نبرد علیه امپریالیسم و استبداد ، با وفاداری اش
براه خلق ، مورد اعتماد و احترام خلق و
طبقه کارگر است .

درود آتشین به زندانیان توده های

بقیه از صفحه ۱

زندانی و قاضی ، می بینند و می شنوند و پس
تجربه خود در می یابند ، که حزب ما ، که توده ای
در بند نیز " از هر گام مثبت جمهوری اسلامی
ایران حمایت می کند و " هر اقدام نادرست
و ناصح را دلسوزانه و با صراحت مورد انتقاد قرار
می دهد . (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)
آنها در می یابند که حتی در زندان هم توده ای
یا توطئه های امپریالیسم علیه جمهوری نوپس
مبارزه می کند و برای تثبیت انقلاب از تحمل ناحق
در مورد خود نیز ایثاری ندارد .

آری ، رفقای عزیز در بند ، چنین اند و وظائف
بزرگ مردان و زنانی که عزم کرده اند راه سعادت
خلق را هموار سازند .

ما با شادباش سال نوبه شما و خلق ایثارگر
انقلابی با جان و قلبمان ، با خون و گوشت و رگ
و بی مان در کنار شما قرار داریم و به وظائفی
که شما به عهده ما سپرده اید ، عمل می کنیم .

درود آتشین به زندانیان توده ای ؛
زنده یاد حزب توده ایران ، مدافع راستین
استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ؛

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما در باره بازداشت
های غیر قانونی جدید در این زمینه می خوانیم :
" در تمام دوران چهار ساله پس از پیروزی انقلاب ،
سیاست حزب توده ایران درست نقطه مقابل سیاست
مداخل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم و نمایندگان
قشری لیبرال ، مالکان و سرمایه داران بزرگ بوده -
است . ما بر خلاف آنها هرگز راه نفاق تفرقیسم ،
معتقدات خود را از کسی پنهان نکردیم و براساس
مواضع روشن سیاسی - ایدئولوژیک - خود ، از
خصومت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دفاع
کرده ایم و تا پایان دفاع خواهیم کرد ."
رفیقهای در بند ،
هم اکنون در زندان ، پاسدار و بازرس ،

تجربه خود دریافته اند که توده ایها دفاع از
انقلاب ، دفاع از دستاوردهای انقلاب ، پشتیبانی
از مواضع مسلمانان مبارز ضد امپریالیسم و
جانبدار خلق را نه به خاطر " فرصت طلبی " که
دشمنان القاء می کنند ، وظیفه خود قرار داده اند ،
بلکه با تحلیل روشن و علمی خود از اوضاع انقلاب
و ترکیب نیروهای شرکت کننده در آن به این
وظیفه تاریخی رسیده اند .

توده ایها در این تحلیل خود لحظه ای هم منافع
خود را جدا از منافع خلق ندانسته و نمی دانند .
تهدید گروه طلبی و صله ناجوری به تن برآزده
توده ایها است ، که شعار " جنبه متحد خلق "
را آفرینند و صدقانه از آن دفاع می کنند .

آیت الله موسوی اردبیلی : بالهام از حضرت امام جنگ را تمام کنیم

دیگر همه متفق القولند که جنگ تحمیلی و امپریالیسم فرموده صدام علیه میهن ما به یک جنگ طولانی و فرسایشی تبدیل شده است، که بزرگترین صدمات جانی و مالی را به میهن و خلقهای ما وارد ساخته است.

خسارت دیدگان از این جنگ مردم زحمتکش و ایثارگر میهن ما و زحمتکشان خلق برادر عراقند، نه صدام آنها را به گوشت دم توپ، برای تحسین اهداف جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده است.

نتایج اسفبار و در صورت ادامه جنگ فاجعه آمیز برای میهن ما و انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلق آن به چنان عمق و وسعتی رسیده است که از تمام انقلابیون مذهبی جسارت و حرکت بیشتر و قاضح برای پایان جنگ میطلبد.

این جنگ، این "حلقه نجاتی" که توسط امپریالیسم افکنده شد، فقط و فقط به نفع نیروهای ضد انقلابی و راستگرا تمام شده است. فقط آن نیروهای مسی توانستند - و این سوءاستفاده با تمام وسعت و خطر آن شدید شده است - از ادامه جنگ سود ببرند که کوچکترین سودی از پیروزی "انقلاب کونج نشینان" علیه کاخ نشینان "نمیبرند و نمیتوانستند ببرند".

از این جنگ، از این "حلقه نجات" که امپریالیسم افکنده، فقط نیروهای واپسگرا و ضد انقلابی، لیبیرال و کلان سرمایه دار و بزرگ زمین دار سود بردند و میبرند.

این حلقه نجات "گذشته" بود، که امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به گردن "آینده" میهن ما، به گردن انقلاب ضد امپریالیستی و خلق میهن ما انداخت، تا این آینده را، که میبایستی به خلق تعلق داشته باشد و در آن خواستههای خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، تحقق یابد، نابود سازد.

دو سال از تاریخی میگذرد، که شهید بهشتی، با دلی بردرد و در جلوی چشمان حیرت زده زحمت کشان ده و همه انقلابیون صادق خیر به تعلیق افتادن اجرای بند "ج" و "د" را تا بعد از جنگ تحمیلی، اعلام کرد.

این اولین پیروزی بزرگ زمین داران، این "مدا فعسان" "گذشته" به کمک "حلقه نجاتی" بود که امپریالیسم آمریکا به دست متجاوزین عراقی بسوی آنها پرتاب کرد.

این دومین پیروزی بزرگ زمین داران، این "مدا فعان" "گذشته" به کمک حلقه نجاتی بود، که امپریالیسم آمریکا به دست متجاوزین عراقی بسوی آنها افکنده بود.

این روند اسفبار برای انقلاب و انقلابیون تمام نشد و نمیتوانست تمام شود، زیرا هر روز که از عمر این جنگ تحمیلی میگذشت، از توان انقلاب بیشتر میکاست. هم از خلق ایثارگر "لاله های" خونین بیشتری می ستاند و هم زیر فشار خود، آن نیروهای انقلابی را که در شهرها و اطراف انقلابی دارند

(حجت الاسلام رفسنجانی) در جنبه ها بند می کرد و جایشان را در شهرها خالی میگذاشت. این روند از برای انقلاب کاست و کاست و بسه نیروهای واپسگرا تجدید قوا و سازمان داد، به نحوی که پس از گذشتن قانون اصلاحات ارضی از مجلس و تصویب بقایای "ذبح شرعی" شده آن در مجلس، مدافعان "گذشته" قادر شدند از تسنن دادن به آن ظفره روند.

در وضع جدید تناسب قوا مابین موافقان "انقلاب کونج نشینان علیه کاخ نشینان"، آنهایی که بسه حرف امام خمینی ایمان دارند، که بینه دست زحمتکشان، سند مالکیت زمین است، از یک سو و مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری از سوی دیگر، آنچنان به نفع دسته اخیر تغییر کرده بود، که آنها حاضر نبودند حتی به این قانسون ذبح شده هم تن دهند.

شورای نگهبان آن را "وتو" کرد!

این سومین پیروزی بزرگ زمین داران، این مدافعان "گذشته" به کمک حلقه نجاتی بود، که امپریالیسم آمریکا بسوی آنها پرتاب کرد ولی آخرین پیروزی نبود.

آنها توانستند درست با سوءاستفاده از این جنگ تحمیلی طولانی و فرسایشی امپریالیسم فرموده، در جریان تشبیت و تحکیم مواضع خود، حق تعیین "ضرورت" ها را، که امام خمینی به مجلس شورای اسلاما منول کرده بود، مورد علامت سوال قرار دهند و مواضع جدیدی را تصاحب کنند.

تمام این عقب نشینی های مسلمانان مبارز در طول این دو سال و نیم پس از جنگ تحمیلی، با این استدلال انجام شد، که زیر فشار جنگ، انقلاب قادر به دفاع از خود در مقابل هجوم راستگرایان و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نیست، قادر نیست به تحولات بنیادی بنفع زحمتکشان دست زند قادر نیست برای تحقق عدالت اجتماعی، برای

تحقق "قسط اسلامی" با قدمهایی استوار و قاطع به پیش رود.

نوعه "ذبح شرعی" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، و نه فقط این یک نمونه، بلکه تمامی اقدامات عمده به نفع زحمتکشان و مستضعفان، بیان کننده چگونگی عقب نشینی مسلمانان مبارز و موقف راستگرایان است، که با کمک این حلقه نجات میگو خواست های خود را به انقلاب تحمیل کنند!

لغو قوانین "تجارت خارجی دولتی" و زمینهای موات شهری، "صادره ثروت های غارت شده توسط فراریان طاقوتی و غیره توسط شورای نگهبان همه و همه به کمک

این حلقه نجات امپریالیسم ساخته و پرداخته برای راستگرایان، ممکن شد.

البته میتوان این لیست تاسف بار را توسعه داد، هدف اما در این ترسیم، تاثیر فاجعه آمیز جنگ تحمیلی بر روی روند تحمیل انقلاب، خواست عمیق زحمتکشان و انقلابیون برای تحقق عدالت اجتماعی است.

تعجب انگیز نبود و نیست، که راستگرایان از هیچ کوششی برای ادامه جنگ کوتاهی نکردند و نمیکنند. آنها با طرح شعارها و هدفهای غیر عقلی، راه تصحیح سیاست را بر روی مسلمانان مبارز بسته اند. دمانطور که رفیق نورالدین کیانوری اظهار کرده "مسئله جنگ را به بن بست کشیده اند."

از این دیدگاه است که سخنان آیت الله موسوی اردبیلی وزن تاریخی و پراهمیتی کسب میکند و آزر خطری است که به صدا درآمده است، از ایسین دیدگاه است که باید ترمزدای خطر انقلاب را کشید. تجردی نباید داشت، مسلمانان مبارز، که انقلاب خلق را در دوران هجوم به رژیم فاسد سلطنتی و تخریب آن رهبری کردند، قادر نخواهند شد سو سازی جامعه را بنفع خلق، تحقق عدالت اجتماعی را بنفع زحمتکشان و مستضعفان ممکن سازند، مگر آنکه از حلقه و در حلقه اول به جنگ پایان دهند!

پایان جنگ اولین و مهمترین سدی است، که می توان و باید در مقابل یورش راستگرایان به مواضع انقلاب و انقلابیون راستین برپا داشت. پایان آگاهانه و شجاعانه جنگ، آنطور که آیت الله موسوی

اردبیلی نیز طلب میکند "صلح تحمیلی" نخواهد بود!! برعکس پایان آگاهانه و شجاعانه، بسا نقشه و واقع بینانه جنگ بر مبنای حقوق مسلم مردم میهن ما، یعنی بازستاندن آخرین تکه های سرزمین انقلابی، دریافت خسارت مالی، تنهسا راه جلو گیری از تحمیل یک "صلح تحمیلی" است. تنهسا

از این طریق دستها برای کمک همه جانبه به مردم عراق باز میشود. هدف دشمن امپریالیستی و ضد انقلاب، نیروهای راستگرا و واپس نگر، مدافع "گذشته" و مدافع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران درست تحمیل یک "صلح تحمیلی" است، آنهم زمانی که آنها وقت آنرا مناسب تصور کنند.

به همین علت نیز از یک طرف دشمن متجاوز را تقویت میکنند و از طرف دیگر با طرح شعارهای ماورای ممکن و حماسه های، از حلقه به اهتزاز در آوردن پرچم ظفر نمون اسلام بر بالای کاخ سفید از طسیر سق جنگ ایران و عراق، کوشش مسلمانان مبارز را برای

پایان دادن به جنگ خشن می سازند.

لزم حیاتی و میهم پایان دادن به جنگ، که از پا فشاری دوستان خارجی میهن ما و انقلاب ما هم مفهوم میشود، آنقدر پراهمیت است، که دست مسو

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

● دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین مینویسد:

رفقای گرامی با اطلاع یافتن از دستگیری رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی و دیگر رهبران برجسته حزب توده ایران، ما اعتراض مصممانه خود را نسبت به این عمل که علیه منافع خلق ایران و انقلاب اوست اعلام میداریم. در این لحظه دشوار در زندگی حزب توده ایران ما همبستگی خود را با مبارزه کمونیستها، زحمتکشان و مردم ایران در دفاع از دستاوردهای ضد امپریالیستی انقلاب ایران بیان میکنیم.

با درودهای برادرانه

سرژیو بیلاریگیش
رفقای حزب کمونیست پرتغال تلگرامی هم در این زمینه برای امام خمینی فرستاده اند که بدین شرح است:

با اطلاع یافتن از دستگیری نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران و همچنین تعدادی از شخصیتهای برجسته مترقی ایرانی، حزب کمونیست پرتغال، که همیشه موضع مثبتی نسبت به انقلاب ایران داشته است، خواهان مداخله شما بمنظور آزادی هرچه سریعتر این مین پرستان میباشد.

بنا به سفارش دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

سرژیو بیلاریگیش
لیسن ۲۲ فوریه ۱۹۸۳

● حزب کمونیست اسپانیا در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۳ تلگرام زیر را به سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید فرستاد:

با نهایت تأسف مطلع شدیم که نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و چند تن از رهبران این حزب دستگیر شده اند. بنام حقوق انسانی و ضمانت يك حكومت قانون، خواهان آزادی و امنیت اعضا و قانونی بودن این حزب هستیم.

● حزب کمونیست بلژیک نیز علیه بازداشت چند تن از رهبران حزب توده ایران و از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی آن اعتراض کرده است. در اعتراضیه گفته میشود که اینگونه بازداشتها نمیتواند موجب نگرانی شدید آنکسانی شود که از مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه حمایت میکردند. و پیروزی آنها علیه رژیم سورد حمایت آمریکا تهنیت گفتند.

بروکسل ۱۵ فوریه ۱۹۸۳، دبیرخانه حزب کمونیست بلژیک

● دبیر اول حزب سوسیالیست پیشاهنگ الجزایر نامه‌ای در اعتراض به بازداشت غیرقانونی رهبران حزب توده ایران و رفیق نورالدین کیانوری برای حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور ارسال داشته است.

در این نامه دو صفحه‌ای، پس از برآمدن تمام دلایلی که نشان میدهد این بازداشتها علیه منافع مردم و انقلاب ایران است گفته میشود: «باین دلیل، کمونیستهای الجزایر، دوستان انقلاب شما، میخواهند که برای آزاد شدن رهبران حزب توده ایران که بطور غیرقانونی بازداشت گردیده اند اقدامات لازم را انجام دهید».

رفقای حزب سوسیالیست پیشاهنگ الجزایر نامه‌ای هم خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ابراز همبستگی با حزب و مردم ایران در این روزهای سخت فرستاده اند

● کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران مینویسد:

کمونیست‌هایی اندونزی با احوال‌نگرانی و اعتراض با خبر مربوط به بازداشت رهبران حزب توده ایران و از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب برخورد کردند.

حزب توده ایران از نخستین روز فعالیت خود پیوسته با پیگیری از منافع خلق زحمتکش ایران و کشور خود دفاع میکرده است. پس از پیروزی خلق علیه شاه، حزب توده ایران از جمهوری اسلامی ایران برهبری آیت‌الله خمینی پشتیبانی کرد و همراه با دیگر نیروهای مترقی از دستاوردهای انقلاب دفاع نمود. با باین جهت ما بازداشت و تشویق علیه حزب توده ایران را بعنوان عملی بزیان انقلاب ایران بزیان مشی ضد امپریالیستی آن و علیه منافع توده‌های خلق تلقی میکنیم.

ما همبستگی عمیق خود را با حزب قهرمان شما اعلام میداریم و خواهانیم که هرچه زودتر رهبران و اعضای حزب توده ایران آزاد گردند و به تبلیغات ضد کمونیستی در کشور پایان داده شود.

زنده باد حزب توده ایران
زنده باد همبستگی بین المللی
کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی
فوریه ۱۹۸۳

● کمیته مرکزی حزب مترقی خلق زحمتکش قبرس (آکل) در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین مینویسد:

رفقای عزیز، کمیته مرکزی آکل با درودهای گرم برادرانه شما، با حیرت از بازداشت رهبران حزب توده ایران و رفیق نورالدین کیانوری مطلع شد. ما در این باره تلگرامی برای آیت‌الله خمینی فرستاده‌ایم که متن آن در ارگان مرکزی ما هم بجا رسیده است.

از فرصت استفاده میکنیم تا باریک همبستگی برادرانه خود را با شما و خلق ایران تأکید کنیم. امیدواریم انقلاب ایران در راه پیشرفت واقعی و در راستای ضد امپریالیستی گام بردارد و از کمونیسم ستیزی پاک شود.

متن تلگرام بدین فراز است:

آیت‌الله خمینی تهران کمیته مرکزی آکل و تمام مردم مترقی قبرس از خبر بازداشت نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران شگفت زده شدند و خواهان بد حالت شما برای آزادی آنان هستند. تعقیب مین پرستان توده‌ای که با قداکاری علیه رژیم شاه پیکار میدردند و از انقلاب پیکرانه پشتیبانی میکنند ضربه‌ایست علیه جنبه‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب از کیاس پاپایوانو
دبیر کل آکل

● حزب کمونیست مصر در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران مینویسد:

رفقای گرامی، کمیته مرکزی حزب کمونیست مصر بخاطر وضعی که در کشور شما پیدا شده و منجر به بازداشت رهبران حزب شما و از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران گردیده است یواضع نگران میباشد.

حزب ما خوب میداند که حزب شما بیخبر از چهل سال است که با سرسختی در راه منافع زحمتکشان پیکار می‌کند و در اینسراه تجربیات فراوانی بدست آورده است.

نباید تردید داشت که شما دشواری کنونی را نیز از سر خواهید گذرانند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست مصر، در این لحظات دشوار، پشتیبانی کامل خود را نسبت به حزب شما، اعضا و رهبران آن ابراز میدارد.

● حزب کارگری کمونیست‌های سوئد نیز طی تلگرامی که به سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم فرستاده به بازداشت رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران اعتراض کرده است.

متن این تلگرام روز ۱۷ فوریه ۱۹۸۳ در ارگان حزب بجا رسیده است.

مسلمانان مبارز برای تحقق عدالت اجتماعی می‌روزمند!

بقیه از صفحه ۱

می‌کند :
"آری"

ترویسیم شکل اقتصادی گرفته است

حجت الاسلام گزویی در نماز جمعه چند روز پیش خطاب به مردم و زحمتکشان هشداری می‌دهد ، که آنها که به هر "بچه مسلمان صادق" مهر می‌زنند "می‌خواهند سرتان کلاه بگذارند !"

چنین است گوشه‌ای از آنچه که این روزها به مثابه واکنش مسلمانان مبارز و پیروان صادق خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی در مقابل یورش راستگرایان دیده می‌شود . کوششی که همواره مورد پشتیبانی ما بوده و خواهد بود . هشداری که دل‌نترسانان در عین حال که واکنش و مقاومت آنها را در مقابل یورش راستگرایان نشان می‌دهد و مرحله حساس و برای حیات انقلاب تعیین کننده را بر می‌شمرد ، همچنین این نکته را نیز نشان می‌دهد ، که راه عطفی برون رفت از این تنگنای خطرناک چیست ؟ روزنامه کیهان (۱۰ اسفند ۶۱) این راه را ترسیم می‌کند و "بسیج تمامی توان جامعه" و "یاری گرفتن از مردم مسلمان و انقلابی" را پیش شرط برون رفت از این ورطه خطرناک میدانند .

واقعیت نبرد چهارساله طبقاتی پس از انقلاب و تجربه گذشته خلقهای میهن ما و خلقهای دیگر جهان نیز همین را می‌آموزد ، که بدون تجهیز و "بسیج تمامی توان جامعه" ، بدون تجهیز و بسیج زحمتکشان نمی‌توان بر امپریالیسم و ارتجاع پیروز شد ، نمی‌توان زمین را به دهقان داد ، بازرگانی خارجی و داخلی را از چنگ غارتگران ترویسیت خارج ساخت ، نمی‌توان زمین های

شهری را ملی اعلام کرد و آنها را برای ساختن مسکن مناسب و ارزان برای زحمتکشان به کارگرفت نمی‌توان قانون کار در خدمت کارگران نوشت و تصویب کرد ، نمی‌توان حق برابر زنان و مردان ، حقوق مساوی در برابر کار مساوی را تأمین کرد ، نمی‌توان حقوق دموکراتیک و آزادی های قانونی را حافظ بود ، نمی‌توان بیسوادی را برانداخت و سطح فرهنگ جامعه را ارتقا داد ، نمی‌توان ... نمی‌توان ...

هم آیت الله موسوی اردبیلی و هم آقای مهندس موسوی خامنه ای لزوم تصویب قوانین بنیادی را توسط قوه مقننه پیش شرط کار و عملگردها مثبت هر دو قوه قضائیه و مجریه می‌دانند . این نظر درستی است ، ولی بدون تجهیز خلق ، تجهیز زحمتکشان و مستضعفان دسترسی به این خواست ممکن نخواهد شد ! بدون تجهیز خلق و زحمتکشان انقلاب قادر نخواهد شد قوانین بنیادی را به تصویب برساند و اگر هم این قوانین از مجلس بگذرند و مورد "توی" شورای نگهبان هم واقع نشوند - البته تجربه ماههای اخیر نشان داد که این فرض ، با توجه به تناسب قوا کوشی ما بین دو خط موجود در حاکمیت ، فرضی انتزاعی است - باز هم بدون تجهیز و بسیج خلق پیاده کردن آن قوانین به مورد اجرا در آوردن آن قوانین ممکن نخواهد بود ! زیرا غارتگران با نصیحت و پند دست از منافع خود بر نمی‌دارند ! مگر تجربه اجرای فرمان هشت ماده ای امام نیز در تأیید این واقعیت نیست ؟ مگر راستگرایان نتوانستند ، به قول آیت الله موسوی اردبیلی ، "پرورد متعاهد زیاد کجاست فروش کار خیابان را به خون گرانفروشی روی میز هیئت پیگیری قرارداد دهند و عملاً کار را فلج کنند ؟"

در برابر خون شهیدان مسئولیم

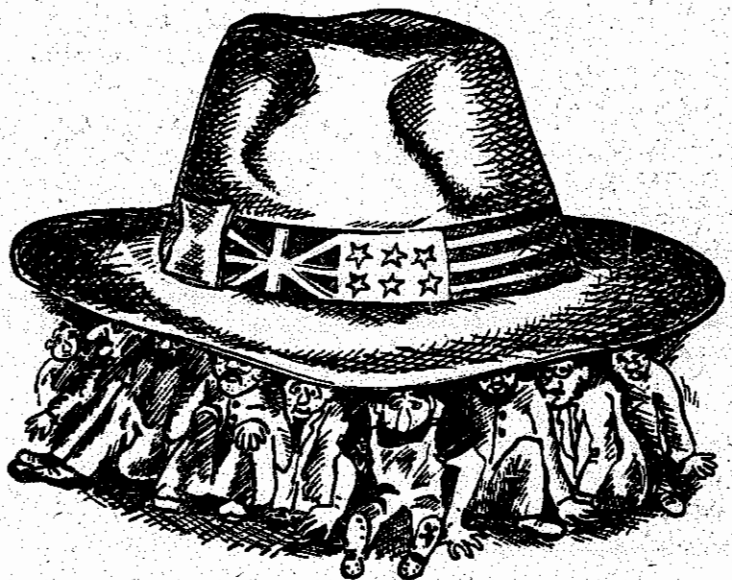
میهن ما یکبار دیگر هم در تاریخ چند دهه اخیر حیاتش در مقابل یک چنین وضعی قرار داشت . درس های تجربه تلخ و فاجعه آمیز ۲۸ مرداد ۳۳ می‌آموزند ، که نباید به راهی رفت که صدق به آن قدم گذاشت . او ، انوقت که تشخیص داد ، که برای ملی کردن صنعت نفت باید خلق را تجهیز کرد ، باید جبهه متحد خلق را سازمان دهد ، باید ریشه سلطنت و ارتجاع را در آورد ، عقب نشست ، تسلیم شد ، خلق و مبارزات آن را برای یک آینده بهتر و روشنتر فدای "پایه های سلطنت کرد ، فدای منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کرد ، انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ما سلطنت را برانداخت ، اما هنوز پایه های اجتماعی آن ، که همان کلان سرمایه داری ، همان غارتگران و محترمان ترویسیت ، همان بزرگ زمین دار و فئودال و خان است ، باقی است و برای تثبیت مواضع مترزل خرید می‌کوشد .

نباید یک بار دیگر منافع خلق را ، آینده بهتر و روشنتر زحمتکشان را فدای منافع این ترویسیت های اقتصادی ، این کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران کرد ! در مقابل خون شهیدان مسئولیم !

طلسم وحشت را باید شکست!

حزب ما ، رفقای رهبری حزب ما ، نه اکنون جمهوری اسلامی زندانبانان آنها شده است ، راه برون رفت از ورطه خطرناکی را که انقلاب دچار آن است ، نشان داده اند . راه ، تنها راه ، تنها راه علمی و ممکن ، تنها راه علمی ، ممکن و روشنتر تجهیز خلق زحمتکش و ایثارگر و حامی انقلاب و متشکل کردن آن در جبهه متحد خلق است ، تنها راه ، برپا کردن یک "انقلاب دیگری" است ! باید به قول روزنامه کیهان "لانه های تیمی" ترویسیت های اقتصادی را تسخیر کرد ، باید "طلسم وحشت" را شکست و "لانه ها" دیگر ارتجاع و راستگرایان را در نهادها و حاکمیت به دست خلق گشود و سنگر ضد انقلاب را برانداخت .

آری ، در مقابل یک چنین وظیفه تاریخی ای انقلاب و مسئولان خلقی آن و تمام مسلمانان مبارز قرار دارند . اولین قدم در این راه آزادی رهبران حزب توده ایران و دیگر فعالان مایه افغان در بند انقلاب و همچنین ایجاد امکان علمی فعالیت آزاد سیاسی برای حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است . بدون این قدم اول هیچکس قادر نخواهد شد نوسازی جامعه را به نفع زحمتکشان سازمان دهد ! زیرا بدون این قدم هیچکس قادر نخواهد شد خود را از زیر شانته ضد توده ای و ضد شهری ، که وسیله اصلی پیشروی راستگرایان و مادر تمام مشکلات مسلمانان مبارز انقلابی است ، نجات دهد . ما در این مورد به همه مسئولان انقلابی و مسلمانان مبارز هشداری می‌دهیم !



"مواظب باشید کلاه سرتان نرود!"

هفتمین کنفرانس سران جنبش غیرمتعهدها با موفقیت به کار خود پایان داد

از زیر ضربه و یا بزرگ کردن مسائل فرعی و بیسورد و در آخر سالوسی ریگان در نامه اش به خانسوم گاندی که آرزوی "موفقیت" کنفرانس را کرده بود هیچکدام به هدف ننشستند. خواست تمام کشورهای برای ادامه مبارزه این جنبش و شرکت فعال آن در زندگی اجتماعی جهان چنانکه در سند نهائی نیز آمده است، که این جنبش به نمایندگی از طرف اکثریت کشورهای جهان از تمام کشورها میخواهد تا در حل عادلانه و فوری تمام مسائل اشتراکات

سرمایه داری عضو این جنبش اند - این کنفرانس توانست حول مسائلی نیز که شدیدترین اختلاف نظرها موجود بود، از جمله جنگ عراق و ایران نظر مشترکی بیان دارد. وی در مصاحبه مطبوعاتی پس از پایان کنفرانس نگرانی عمیق خود را از حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند اعلام کرد و اظهار داشت که هر روز کشورهای بیشتری به عمق خطر پی برده و صدای اعتراض خود را علیه این سیاست بلند کرده و می

در پایان این کنفرانس سران و روسای هیئت های نمایندگی کشورهای عضو اسناد مهمی را از جمله سند اصلی "پیام از دهلی" را تصویب کردند. آنها مخالفت خود را با تولید، تکامل و استقرار سلاحهای جدید هستهای اعلام داشتند. ۱۰۱ کشور عضو این جنبش منع استعمال سلاحهای هستهای و تهدیدات هستهای را خواستار شدند. آنها همچنین عراق و ایران را فراخواندند تا به جنگ پایان داد و تمام اختلافات موجود را از طریق مذاکره حل نمایند. قبلا قرار بود مسئله جنگ در بیانیه پایانی کنفرانس ذکر شود، اما هیئت اجرایی که ریاست آنرا مهندس میر حسین موسوی نخست وزیر در اختیار داشت با این امر مخالفت کرد و کنفرانس در پیامی جداگانه که از طرف اینسوپرا گاندی تهیه شده بود خواستار پایان فوری جنگ شد.

در مصوبات اجلاس ایجاد مناطق عاری از سلاح هستهای خواسته شده تا از آن طریق مقدمه منع و نابودی کامل سلاحهای هسته ای چیده شود. آنها مخالفت خود را با کشاندن سابقه تسلیحاتی به فضا و استفاده از تحقیقات فضائی برای اهداف نظامی اعلام کردند. در این سند مبارزه خلقها برای کسب استقلال اقتصادی و استعمار زدائی به مثابه گام مهمی در جهت مبارزه برای صلح قلمداد شده است.

کشورهای غیر متعهد در رابطه با اوضاع خاور نزدیک و جنوب آفریقا و اقیانوس هند و خصوصاً آمریکای مرکزی، سیاستهای دولت آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. کمیونی به ریاست ایندیرا گاندی تشکیل شد تا با بررسی اوضاع خاور نزدیک راه حلی عادلانه برای مسئله فلسطین ارائه کند. سازمان آزاد بخش فلسطین نیز به عضویت این کمیسیون انتخاب شد.

ایندیرا گاندی که ریاست جنبش را برای سه سال در اختیار گفت در نطق پایانی خود خواست کشورهای عضو جنبش برای ایجاد نظام نسوین اقتصادی بین المللی و رفع سد های تجاری رایج داشت. وی در ادامه صحبت های خود افزود که بعضی کشورها و بنگاههای مالی بیسن المللی تلاش میورزند تا آشکارا یا پنهان بر کشورهای در حال رشد فشار آورند یا آنها را فریب دهند. وی کشورهای عضو را فراخواند تا علیه این سیاست به مقابله بپردازند. وی اظهار داشت که عده ای میخواهند این جنبش در نتیجه اختلاف نظرها و مشاجرات در حول آنها از هم بپاشد. باید گفت که کشورهای غیر متعهد در همه زمینه ها متفق نظر نیستند. اما همه بر آنند که متحد در راه صلح و تکامل اجتماعی و برابری کشورهای خلقها در سراسر جهان مبارزه کنند. وی افزود با وجود اختلافات سیاسی اقتصادی و ایدئولوژیک که منشأ آن ترکیب کشورهای عضو است - بعضی کشورهای سوسیالیستی و یسا



و سهم خود را برای حفظ صلح جهانی و ایجاد روابط برادرانه میان خلقها بر پایه برابری و احترام به شرف انسانی ادا نمایند.

شرکت آقای موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در هفتمین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد باردیگر اصول و معیارهای حاکم بر سیاست خارجی کشورمان را بصورت موضوع بحث محافل سیاسی و اجتماعی در ایران درآورد. سیاست جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس

غیر متعهد ها بر مبنای يك سری تصورات ما و را طبعاتی قرار داشت، این سیاست به نبرد طبقاتی بین کار و سرمایه، به نبرد خلقهای تحت ستم با امپریالیسم، به نبرد بین استثمار شونده گان و استثمار کننده گان توجه نداشت و لذا فاقد يك محک واقعی علمی برای شناخت دوست و دشمن بود، و در نتیجه در عین حال که از انقلاب نیکو را گوشه و پولیساریو ۲۰۰۰ مبارزانشان علیه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا دفاع کرد، همصدا با مهر و پاکستان و ۲۰۰۰ به جا نیداری از ضد انقلابیون افغانی پرداخت که، مورد تایید و کمک بی شائبه امپریالیسم آمریکا میباشند.

این ضعف جدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، و تا زمانیکه ترك و تصحیح نشود، زمینه سوء استفاده ضد انقلاب، ارتجاع و راستگرایان خواهد بود تا با کمک آن سلعانان مبارز را زیر فشار شانتاژ ضد کمونیستی قرار دهند و از مواضع خلقی شان پس بزنند.

تلبنند که این منطقه غیر نظامی تبدیل شود. وی درباره مسائل افغانستان که عند مای کوشش کردند آنرا به یکی از بخشهای اصلی کنفرانس بدل کنند و گفت: اگر کشوری خود را مورد تهدید حس کند و از کشور دیگری تقاضای کمک نظامی کند، مسئله داخلی این کشور است. تمام سرو صداهای که در این باره بلند میشود هیچ کمکی به حل مسائل این منطقه نمیکند.

تصویب سند نهائی کنفرانس را باید موفقیت بزرگی محسوب نمود تمام تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیستی و برای این جنبش قلمداد کرد. در این پیام تمام مسائل عند مای که در حال حاضر مردم جهان و خصوصاً کشورهای در حال رشد با آنها روبرو اند قید شده و خواسته شده است تا راه حل های جمعی و عادلانه برای آنها جستجو گردد. مسئله حفظ صلح و تنش زدائی و منسوخ تسلیحات هستهای و بحران اقتصادی موجود و تاثیر آن بر اوضاع اقتصادی کشورهای در حال رشد و سیاست اقتصادی کشورهای غربی و بنگاه های مالی جهانی و منازعات جهانی و خطر آن برای صلح و مبارزه خلقهای کشورهای در حال رشد برای تأمین حق حاکمیت ملی و کسب استقلال اقتصادی و حمایت از جنبش های رهایی بخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مسائل بود که گاه از طرف اکثریت کشورهای شرکت کننده مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در سند نهائی نیز بازتاب یافته اند. تمام مانورهای امپریالیستی برای خارج کردن خود

چهارمین سالگرد انتشار دوره "نامه مردم"

۲۳ اسفند سالروز انتشار اولین شماره "مردم" (نامه مردم) ، ارگان مرکزی حزب توده ایران، پس از انقلاب است. "راه توده" چهارمین سالگرد انتشار دوره جدید "مردم" را گرامی میدارد.

پیش از انقلاب نیز، در کشور ما مردم با نام "مردم" بخون روزنامه‌های که همواره در کنترل آنها بوده است آشنا بودند. در نخستین سال‌های حیات و نبرد حزب توده ایران، زمانی که محافل بغایت ارتجاعی از ناآگاه‌های بخشی از جوانان کشور ما سوء استفاده کرده و به تبلیغات فاشیستی دامن می‌زدند، "مردم" ، سریه ضد فاشیستی شجاعانه به افشای فاشیسم پرداخت و به همین علت نیز فروشندگان و توزیع کنندگان آن بکرات مورد حمله و ضرب و جرح دارو دسته‌های فاشیستی قرار گرفتند.

در سال‌های پس از آن نیز، "مردم" بیانگر صدای حق طلبانه مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری مردم ایران بود و در این رهگشای ساینستی خود را در احراز نام مقدس خود به نبوت رسانید. چه قبل از کودتای ۲۸ مرداد و چه پس از آن، "مردم" مواضع استقلال طلبانه، آاد یخواهانه و عدالت‌پروانه حزب توده ایران را به مردم می‌رسانید.

اما بی‌شک ۵۲۷ شماره دوره پس از انقلاب ارگان مرکزی حزب توده ایران، نقطه اوجی در تاریخ کار مطبوعاتی ضد امپریالیستی و مردمی در میهن ما است. "مردم" و پس از آن "نامه مردم" ، پس از انقلاب یک دم از افشای توطئه‌های رنگارنگ آمریکا و اذنبش علیه انقلاب فرو نشست و به همین دلیل به آماج کینه توزی قطب زاده‌ها و امیرانتظام‌ها و بنی-صدرها تبدیل گشت. "مردم" که با استفاده از حق مسلم و قانونی انتشار مطبوعات مدافع انقلاب، منتشر می‌شد، به همت دهنها و صدها رزمنده توده‌ای بدست مردم می‌رسید. انتشار مواضع اصولی، انقلابی و علمی حزب توده ایران در چنین سطح وسیعی، هرچند که به علت کارشکنی‌های انحصار طلبان ضد قانون بسا موانع بی‌شمار روبرو گشت و عاقبت نیز نزدیک به دو سال است که با توقیف غیرقانونی "نامه مردم" متوقف شده است، بسیار سریع تسامح خود را در جو سیاسی ایران گذاشت. ۲۵ سال لجن پراکنسی علیه حزب گمان می‌کردند اثرات تبلیغات مسموشان باین زودی-ها از بین نخواهد رفت، بایک واقعیت سرسخت روبرو شدند، و آن این است که اگر ندایی د

دفاع از حق زحمتکشان باشد، بدل مردم می-نشینند، هرچند که همه تریبون‌ها و امکانات در اختیار دشمنان و مخالفان باشد.

فعالیت مستمر و پیگیر تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران، که در دو سال اول انقلاب بطور عمده از طریق "نامه مردم" انجام گرفت، در میان توده‌های وسیع خلق، در میان مسلمانان مبارز پیرو خط امام و در میان نیرو-های صادق ولی گمراه شده، چپ‌اثرات قابل توجهی بجای گذاشت. ارائه راه حل علمی و انقلابی برای کلیه مشکلات انقلاب، بر ملا کردن نقشه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، دفاع پیگیر از شعار "جبهه متحد خلق" و... همه و همه خدمات پیگیری است که "نامه مردم" برای انقلاب انجام داد. تلاش بمنظور خنثی کردن توطئه‌های تفرقه افکنانه دشمن، کسه همچون خط سرخی در تمام ۵۲۷ شماره ارگان مرکزی حزب توده ایران قابل رؤیت است، با تحول چشمگیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مدافع پیگیر و استوار انقلاب، به نخستین شره بزرگ خود رسید. این تلاش بی‌شک در آینده ثمرات بزرگ دیگری بپسل خواهد آورد و به تشکیل جبهه متحد خلسق خواهد انجامید، چه دشمنان انقلاب و تفرقه افکنان بخواهند و چه نخواهند.

متأسفانه در بهار ۱۳۶۰، همزمان بسا اوج گیری توطئه جبهه متحد ضد انقلاب بسرکردگی بنی‌صدر خائن، "نامه مردم" نیز همراه بسا روزنامه‌های ضد انقلابی "میزان" و "انقلاب اسلامی" برای حفظ "توازن" (!) توقیف گشت، در حالی که بی‌شک پیگیرترین افشاگری‌ها در مورد طیف ضد انقلاب داخلی و خارجی از آن "نامه مردم" بود.

از آن زمان تا کنون، علیرغم منافع انقلاب و باوجود تاکیدات و تشریحات رهبر انقلاب امام خمینی و سخنگویان طراز اول خط امام، عملاً هر روز امکلات انتشارات و تبلیغات حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محدود و محدودتر گشته است. اینک نیز بسا هجوم اخیر علیه حزب توده ایران و باز-داشت غیرقانونی رهبران حزبی، از جمله رفقایسی که در تنظیم و اداره "نامه مردم" شرکت فعال و موثر داشتند، مخالفان راستگرای حزب توده ایران توانستند سیاست اعمال فشار و تضییق علیه نیروهای دگراندیش مردمی را به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تحمیل کنند، حال آنکه ۵۳۰ شماره "نامه مردم" گواه آن است که بقول نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مورخ ۲۸ اردیبهشت ۶۱، "یک جمله به زبان انقلاب" نمی‌توان در آن یافت. برای "راه توده" افتخار بزرگی خواهد بود، اگر بتواند گامی، هرچند کوچک، در راهی که "نامه مردم" مظهر آن است، بسردارد و شایسته نامی باشد که بر خود نهاده است.

گوشه‌ای از تاریخچه انتشار افکار مارکس در ایران

د ملراتهای روسیه به برادران انقلابی ایرانی خود با فکر و عمل کمک می‌رسانند. اکثر سرکامیابیهای نیروهای انقلابی ایران به این کمکها مربوط می‌شوند.

در دوران دیکتاتوری رضا شاه که از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ به طول انجامید، حزب کمونیست ایران که در سال ۱۹۲۱ تاسیس شد تحت سخت‌ترین فشارها قرار گرفت. در سال ۱۹۳۱ یک قانون ضد کمونیستی به تصویب رسید کسه عضویت و تعلق و یا هرگونه فعالیت برای این تشکیلات مواجه با سخت‌ترین مجازات می‌شد.

تاسیس حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱، حزب طبقه کارگر ایران که بر مبنای مارکسیستی-لنینیستی مبتنی است، مرحله نو در گسترش افکار مارکسیستی بوجود آورد. در کو تا بهترین مدت حزب موفق شد که بسیاری از آثار کلاسیک مارکسیسم لنینیسم را به زبان فارسی ترجمه کند و به تعداد زیاد منتشر نماید. انتشار مانیفست حزب کمونیست به زبان فارسی که توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس تألیف شده یک انعکاس بزرگی در بین زحمتکشان ایران بوجود آورد.

حزب توده ایران فقط چند سالی توانست بسه شیره آشکار فعالیت کند و معهذاً موفق شد بسا بقیه در صفحه ۱۵

زحمتکشان ایران تحت شرایط فوق‌العاده مدلتی مشترکاً با تفاق تمام نیروهای مرفقی جهان صد وصمت و پنجمین سال تولد و صدمین سال فوت کارل مارکس این فرزند بزرگ خلق آلمان کسه با تفاق فریدریش انگلس بنیان گذار سوسیالیسم علمی، جهان بینی انقلابی، تئوری و برنسیاسه انقلابی جنبش کارگری می‌باشد بخاطر می‌آوردند. نتامل پیروزمندانه سوسیالیسم در بخش عظیمی از جهان تأیید کاملی است از تئوری مارکس.

در عصر ما، در این سالگرد می‌توان پیش‌گویی کرد که در آینده هم بر ایده‌های مارکس-چنانچه در گذشته هم به اثبات رسیده-توان پیروز شد.

در پایان قرن نوزده و اوائل قرن بیستم، در دورانی که روند تبدیل ایران به یک کشور نیمه مستعمره در جریان بود ایده‌های مارکس در جنبش آزاد یخواهانه خلق ایران راه پیدا کردند. در نوجستجات چندی از روشنفکران پیشرو مانسند آخوند زاده و میرزا آقاخان کرمانی-هر چند به شیوه نامفهوم- با بعضی افکار مارکس که چند دهه قبل در اروپا تکامل یافته روبرو می‌شویم.

در انقلاب مشروطه ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ که تحت تاثیر انقلاب بورژوا دمکراتیک روسیه در سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ بود افکار مارکس پیش از پیش رواج می‌یافت. سوسیال-

سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت و تجربه اندوزی از مبارزات گذشته

۲۹ اسفند ۱۳۶۱، سی و دو سال از تصویب قانون ملی شدن نفت میگذرد. دوران قبل و پس از تصویب این قانون، فصل تاریخی مهمی را در تاریخ مبارزات مردم ایران بخاطر رهائی از تسلط امپریالیسم و یوغ استبداد سلطنتی تشکیل میدهد. تصویب این قانون نتیجه مبارزات مداوم مردم ایران علیه سلطه انحصارات نفتی بود، که خود سرآغاز جنبش عظیم ملی شدن نفت به عنوان جنبش ضد امپریالیستی در راه تأمین استقلال و آزادی قرار گرفت.

تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس، که اکثریت آنان را نمایندگان غیر منتخب مردم تشکیل میدادند، انعکاس پیروزی ملی مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران بود. این پیروزی خود سرآغاز دورانی شد که طی آن نه فقط دولت ملی دکتر محمد مصدق زمام امور را بدست گرفت، بلکه با تکیه بر پشتیبانی خلق توانست از شرکت انگلیسی نفت خلع ید کند، به تسلط این هیولای نفتخوار، که دولتی در دولت ایران بود، پایان دهد، امپریالیسم انگلیس را از مواضع سیاسی خود در ایران براند و زمینه را برای حرکت ایران در راه استقلال و برخورداری از آزادی و دموکراسی، که شرایط اساسی پیشرفت جامعه و کشور بود، فراهم آورد. در نیل به تمام این هدفها، دولت ملی دکتر مصدق از پشتیبانی کامل همه مردم و در پیشاپیش آنها

اصیل ترین نیروهای مترقی - حزب - بود. ایران برخوردار بود. اما نقاط ضعف جنبش ملی شدن نفت، که در ابتدا اندک بود، و به رفع آنها در جریان جنبش اقدام نشد، در نهایت به شکافهای عظیم بدل شد. امپریالیسم و ارتجاع درباری فرصت یافتند که با کودتای خائشانانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نتایج مهم جنبش ملی شدن نفت را از بین ببرند و دیکتاتوری سیاه دست نشاندهای را بعد از آن یک ربع قرن بر مردم ایران تحمیل کنند. متأسفانه آنچه در جریان ملی شدن نفت تحقق نیافت، اتخاذ چنان استراتژی و تاکتیکی بود که برای مقابله با امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و مرتجعین داخلی بسرکردگی دربار، با شسبند و طبق آن عمل شود.

قبل از همه رهبران جنبش ملی شدن نفت و حتی خود دکتر مصدق چنانکه باید و شایسته نقش سرکوبگر امپریالیسم آمریکا بعنوان زانسدلم بین المللی را جدی نگرفتند. و در نقطه مقابل این امر، رهبران، دانسته یا ندانسته در دام تبلیغات امپریالیستی افتادند، که دربار "خطر کمونیسم" در ایران جنجال میکرد و دینوسیله از نزدیکی ایران و اتحاد شوروی و دیگر کشور - های سوسیالیستی جلوگیری نمود. بدینوسیله عملاً به جنبش ملی شدن نفت ضربه میزد. در داخل کشور نیز رهبران جنبش به نقش تودهای زحمتکش

و اثر آنان در جریان مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی عمیقاً پی نبردند.

پیروزی جنبش ضد امپریالیستی و مردمی در آن دوران و امروز نیز، بدون شرکت توده های عظیم زحمتکش - کارگران و دهقانان محال است. رهبران جنبش ملی شدن نفت با توجه به این واقعیت باید برای کارگران و زحمتکشان آزادی فعالیت صنفی و سیاسی را به رسمیت می شناسد. ختنند و برای جلب دهقانان باید به انقلاب ارضی یعنی سلب مالکیت از ثنودالها و ملاکین عمده میرداختند. در هیچک از این زمینه ها رهبران جنبش ملی کردن نفت به اتخاذ تصمیمات قاطع نپرداختند. انقلاب ارضی انجام نشد و عمده ترین سازمان صنفی کارگران و زحمتکشان ایران، شوروی متحد، مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران - حزب - نشود. ایران در دوران ملی شدن نفت آزادی فعالیت رسمی و قانونی خود را باز نیافتند.

امپریالیسم و ارتجاع داخلی در اتحاد با یکدیگر، پس از آنکه جنبش ملی شدن نفت دو سال و نیم تمام ادامه یافت و به پیروزیهای چشمگیری در زمینه های احیاء استقلال سیاسی و اقتصادی ایران نائل آمد، توانستند با کودتای ۲۸ مرداد چرخ تاریخ را در کشور ما به عقب برگردانند. کودتا پیروز شد و ایران مجدداً به اسارت امپریالیستی دول آمریکا و انگلیس پیوسته انحصارات عمده غارتگر درآمد. از این پس امپریالیسم آمریکا و کارتل بین المللی نفت "هفت خواهر" یکسره تاز میدان غارت و اسارت ایران شدند.

تجربه جنبش ملی شدن نفت به درس گرا - نیبهای تبدیلی گردید و آن اینکه: هنگامیکه نیروی ملی و مترقی در کشورهای در حال رشد نتوانند یکدیگر را درک کنند و به تشکیل جبهه واحدی در برابر تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته آن اقدام نمایند، دچار شکستهای فاحش و زیانهای عظیم جبران ناپذیر می گردند. این فاجعه در کشور ما رخ داد و عدم توفیق نیروهای ملی و مترقی در ایجاد تفاهم و همکاری بین خود، که طبعاً مسئولیت آن متوجه نیروهای میگرد که در حاکمیت بودند، به شکست جنبش ملی شدن نفت و استقرار رژیم کودتا منجر شد. امروز نیز اگر در محاسبات اصولی خود در مسائل اساسی انقلاب دچار اشتباه باشیم، یا بشویم، مسلماً در پایان کار به جایی جز آنچه حکومت ملی دکتر مصدق رسید، نخواهیم رسید.

جنبش ملی شدن نفت ایران امروز یک رویداد تاریخی است. از درسهای گرانبهای این جنبش، که از صفحات زمین مبارزات استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه مردم ایران استنباط استفاده کنیم، نقاط قوت آنرا بکار بندیم و از اشتباهات و ضعفهای آن بهره نبریم.

حامیان سرمایه داران "صالح"

وزارت کار و امور اجتماعی می داند. حامیان کلان سرمایه داری در وزارت کار سرنوشت سواد آموزی بخش وسیعی از کارگران را به دست غارتگران سرمایه دار می سپارند.

این تصمیم ضد کارگری، اعتراض کارگران و همه مسئولین صادق نهضت سواد آموزی را برانگیخته است. به عنوان نمونه می توان نامه یکی از مسئولین نهضت سواد آموزی زاهدان، سیستان و بلوچستان را که در روزنامه اطلاعات (۲۵ بهمن ۱۳۶۱) آمده است، ذکر کرد. ما بخشی از نامه را در زیر تجدید چاپ می کنیم:

"شامل حال عموم کارگران شود ایران را سراسر مدرسه کنیم (امام خمینی) اخیراً بخشنامه ای راجع به سواد آموزی کارگران به مراکز کارگری دولتی داده شده که من پیشنهادی راجع به این طرح، نه شرح زیر دارم:

با توجه به گفته های پیامبرگونه امام است راجع به سواد آموزی این بخشنامه را شامل حال مراکز کارگری خصوصی نیز بنمایند تا دیگر بیسواد در جامعه باقی نماند."

"نهضت سواد آموزی یک وظیفه انقلابی است" عنوان مقاله ای بود، که در راه توده شماره ۲۶ (۸ بهمن ۶۱) از نظر خوانندگان گذشت.

راه توده در این مقاله جوانب مختلف آئیننامه سواد آموزی کارگران را در چندین بخش مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به خصوص بنسب ۱۸ آئیننامه با روح حاکم بر آن و با فرمان اصم خمینی در تضاد است:

"بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی به طسور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنید."

با وجود تأکید امام مبنی بر برکنندن بیسوادی یک وظیفه ملی و انقلابی است. متأسفانه آنطور که در طرح سواد آموزی کارگران، که توسط وزارت کار ارائه شده است، اجرای طرح در کارگاههای بخش خصوصی از شمول قانون بیرون گذاشته شده است.

بند ۱۸ طرح، اجرای مفاد آئیننامه را در مورد بخش خصوصی منوط به توافق بین مسئولین (مالکین) کارگاههای منور و مسئول واحد سواد آموزی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اقدامات عملی دمکراسی انقلابی در زمینه ارضی

معرفی کتاب

تجربه حل مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی



تجربه حل مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی مجموعه ایست از مقالات یا برگزیده مطالبی که پیرامون جوانب گوناگون مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی که راه رشد سرمایه داری را طرد کرد مانند نگاشته شده است ، و هم اکنون از طرف انتشارات حسن سبز سوده ایران منتشر شده است . این مجموعه ما را با تجربیات راه های متنوع و بختی که کشورهای آزاد شده و مستقل این دو قاره از آنها رفته اند تا به مسائل ارضی میهن خود پاسخ گویند آشنا می سازد .

مجموعه مقالات و مطالب این کتاب شما را با گوشه ای از تجربه غنی و بسیار متنوع در هر یک از کشورهای مورد بحث و در مجموع آنها آشنا میکند و برای ما که روستاهای میهنمان در انتظار تحول بنیادی و مسئله ارضی نیازمند یک راه حل اساسی و انقلابی است ، آشنایی با این تجربیات میتواند بسی درس آموز باشد .

ما امید داریم که نمره این کار مورد مطالعه دقیق و استفاده خلاق هزاران مبارز انقلابی راستین که خواستار تحکیم و تعمیق انقلاب بنیاد و ضد امپریالیستی و مردمی میهنمان و تقویت و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران هستند قرار گیرد .

ما در زیر آخرین بخش این کتاب را برای آشنایی خوانندگان عزیز " راه سوده " منتشر می کنیم .

دولت الجزایر ، در کشاورزی سیاست تحکیم بخش های خودگردان را که بر اساس ابتکار کارگران کشاورزی تاسیس شده ، دنبال می کند . این بخش ۴۰ درصد ارضی زیر کشت و نزدیک به ۶۰٪ تمام تولیدات کشاورزی را در بر می گیرد . حواری بومدین در سخنرانی به مناسبت چهاردهمین سالگشت انقلاب الجزایر گفت : " به عقیده ما بخش خودگردان یکی از دستاوردهای عمده انقلاب ما و یکی از شالوده های پیشرفت اقتصادی و جامعه سوسیالیستی ما است ."

در سوریه ، بخش دولتی تقریباً ۸۵ درصد تولید صنعتی کشور و ۲۰ درصد کل فعالیت اقتصادی را در بر می گیرد . قریب ۷۰ درصد تمام سرمایه گذاری ها به این بخش هدایت می شود و رشد تولید صنعتی ، بطور عمده ، از اولویت پیشرفت بخش دولتی ناشی می شود . در ششمین کنفرانس منطقه ای حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه ، که در آن هدف های عمده چهارمین برنامه پنج ساله پیشرفت ملی تدوین شد ، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که برای دستیابی به این اهداف ، بخش عمومی باید نقش کلیدی را ایفاء کند . رهبران سوریه توجه خاصی به توسعه شبکه تعاونی های عرضه و فروش معطوف داشته اند . در پایان سال ۱۹۷۲ ، در این کشور نزدیک به ۱۶۰۰ تعاونی ، که دربرگیرنده بیش از ۹۰ هزار دهقان بود ، وجود داشت . حزب بعث در جهت تبدیل تعاونی های موجود به تعاونی های سطح عالی تر - یعنی تعاونی تولید ، و استفاده از آنها به مثابه " هسته های مناسب جدید ، سوسیالیستی " در روستا حرکت می کند .

در تانزانیا ، محور اصلی کل مشی اجتماعی و اقتصادی دولت ، تاسیس به اصطلاح " دهکده های سوسیالیستی " است . در زمان برگزاری شانزدهمین کنفرانس اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا (تانگو) در سپتامبر ۱۹۷۳ ، بنا به آمار رسمی ۵۵۶۶ دهکده سوسیالیستی با جمعیتی بیشتر از دو میلیون نفر وجود داشت . هر خانواده ای که در این نوع دهکده ها زندگی می کند باید در مزارع جمعی و در قطعه زمین شخصی خود ، کار کند . در آغاز دهقانان تنها پس از پایان کار در قطعه زمین شخصی خود در مزارع جمعی فعالیت می کردند . درآمد حاصل از این مزارع به استفاده جمعی می رسید ، دو یا سه سال بعد ، که زمین های شخصی محصول قابل فروشی عرضه کردند ، بطور دسته جمعی کشت شدند . برای دهقانان فقط قطعه کوچکی زمین برای کشت محصولات غذایی باقی مانده است .

در کنگو ، مالکیت ملی بر زمین ، منابع معدنی ، جنگل ها ، حمل و نقل و آب اعلام شده است . شالوده انحسار دولتی در بازرگانی خارجی ریخته شده و بین سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ استخراج ، توزیع و انبارهای نفت ملی شدند . در کنگو به رشد بخش مختلط اقتصاد ، با شرکت بخش های خصوصی و دولتی ، توجه زیادی می شود .

دمکرات های انقلابی کنگو با کمک جنبش جوانان مشی تاسیس تعاونی های کشاورزی و دهکده های تعاونی و مزارع دولتی و نوسازی روستاها را دنبال می کنند . هر چند این سیاست ، بنا به دلایل متعدد عینی و ذهنی ، هنوز نتایج قابل توجهی به بار نیاورده است ، اما دولت کنگو ، علیرغم تمام مشکلات هنوز آن را دنبال می کند .

بدون تردید ، بخش های عمومی و تعاونی سلاح عمده کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی در مبارزه علیه سرمایه خارجی ، و در نوبت اول انحصارات ، برای کسب استقلال اقتصادی و بنای یک اقتصاد ملی ، هستند . این بخش ها ابزار موثری برای انباشت غیر سرمایه داری ، یعنی جمع آوری وجوه لازم برای پیشرفت اقتصادی و اصلاحات اجتماعی ، می باشند .

بعلاوه ، در کشورهای تحت رهبری دمکرات های انقلابی ، بخش های عمومی و تعاونی به مثابه شکل خاص استقرار مالکیت جمعی در اقتصاد و مقابله با سرمایه داری مورد استفاده قرار می گیرند . آنها این مشی را علیرغم برخی واگشت ها و انحرافات دنبال می کنند . بدین ترتیب ، بخش دولتی به بنیاد اقتصادی مجموعه سیاست های ملی گرا پاره ، ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری رژیم های انقلابی دمکراتیک تبدیل شده است . بخش دولتی اغلب به نفع تولید پیدایی یا رشد فول آسیای مواسسات خصوصی کمک می کند .

این نکته در مورد کشورهای نسبتاً پیشرفته تر به روشنی نمایان است . مواردی چون فساد و اختلاس به وسیله کارمندان بخش دولتی این نتیجه گیری را نقض نمی کند ، این گروه از کارمندان ، که دارای بیش بورژوازی هستند ، آنگدن قوی نیستند که بتوانند از ثروتی که بطور غیرقانونی به جیب زده اند به مثابه شالوده های برای تاسیس بنگاه های بزرگ و حتی متوسط استفاده کنند .

البته ، نقش اجتماعی - سیاسی این گروه مسئله کاملاً متفاوتی است ، در این زمینه آنان کاملاً قادرند که از سیاست های هوادار سرمایه داری حمایت کنند .

در آفریقای استوایی نیز ، صرف نظر از ویژگی های آن ، وضع مشابهی وجود دارد . در این منطقه نیز ، بخش عمومی از پیدایی مواسسات خصوصی جلوگیری می کند و در عین حال ، تا حدود عینی ، زمینه ای برای پرورش عناصر سرمایه دار و یا هوادار سرمایه داری ، که بیشتر وجود نداشته اند ، محسوب می شود .

البته ، در کشورهای در حال رشد ، مانند هر جای دیگر ، نقش و خصلت بخش دولتی به ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی و حتی ، می توانیم بیافزاییم که ، به خصلت رژیم ها ، که بنیاد آنها بیشتر خرده بورژوازی است و اما سمت گیری های اجتماعی - سیاسی متفاوتی را دنبال می کنند ، بستگی دارد . از اینروست که بخش دولتی در کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی مانند خود قدرت سیاسی سرشت انتقالی دارد . مبارزه حادی میان نیروهای اجتماعی - سیاسی گوناگون بر سر مسئله نقش و وظایف بخش دولتی در جریان است . کارفرمایان محلی و عناصر سوداگر و سفته باز ، به همراه گروه های بورژوازی ، می کوشند تا از بخش دولتی در جهت منافع خود استفاده کنند ، روزنامه مصری الجمهوریه در مقاله ای با عنوان بخش سوم و خصایص ویژه آن ، نوشت : " دلال ها و صاحبان فروشگاه های شیک و بلاهاواتومبیل های لوکس و گرداندگان بازار سیاه " می کوشند بخش دولتی را به خدمت بخش خصوصی درآوردند و اولی را به زائده دومی تبدیل کنند . روزنامه برای مبارزه با این پدیده ، دمکراتیزه کردن گسترده روند تولید را طلب می کند ، یعنی قدرت دادن به تولید کنندگان واقعی نعم مادی از طریق برقراری کنترل آنها بر جریان تولید و توزیع محصولات و ارتقاء جنبش کارگران و دهقانان به یک جنبش سیاسی .

رژیم های انقلابی - دمکراتیک یک مشی کم و بیش پیگیر را ، در جهت مبارزه با اشکال گوناگون مناسبات اجتماعی - اقتصادی منسوخ دنبال می کنند . در این رابطه ، مسئله مناسبات ارضی ، که به زندگی اکثریت جمعیت این کشورها مربوط می شود ، مورد توجه جدی است . اصلاحاتی که در این زمینه انجام گرفته نتایج مترقی مهمی به بار آورده اما این بدان معنا نیست که آنان راه حل بنیادین برای حل مسئله ارضی یافته اند .

برای نمونه ، اصلاحات ارضی در مصر ، که بنا به قوانین ۱۹۵۲ ، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۹ در چند مرحله صورت گرفت ، چهره روستاهای این کشور را دگرگون کرد . در ارزیابی نتایج این اصلاحات ، در فصلنامه بررسی اقتصادی خاطر نشان شده است که اصلاحات ارضی قدرت زمینداران را بدون کاهش بارآوری تولید از میان برده است .

در عین حال ، دگرگونی اجتماعی - اقتصادی در روستا به افزایش بقیه در صفحه ۱۵

مقاومت خلق اروگوئه در مقابل نقشه‌های رژیم نظامی

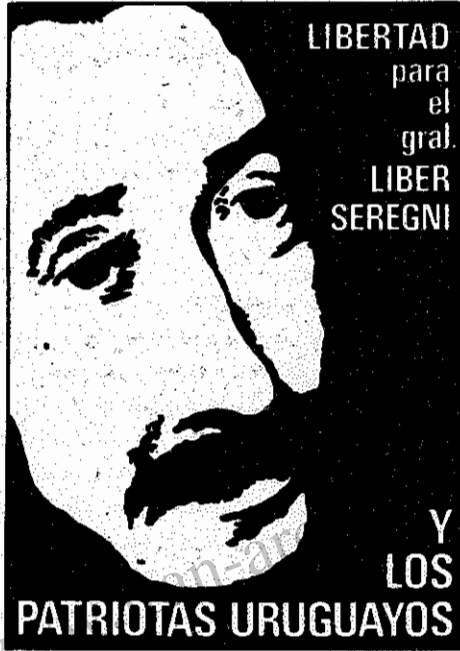
از سندیگاهای متحد و نیرومند اروگوئه گروه‌ها و سازمانهای کوچک تحت کنترل رژیم بوجود آورد. اتحادیه‌های کارگری اروگوئه به درستی این قانون را ضدکارگری معرفی کرده‌اند و این ادعا که این قانون حتی مغایر صویات پذیرفته شده از طرف رژیم اروگوئه در "سازمان بین‌المللی کار" میباشد، ادعای کاملاً بجا است.

یک گام دیگر در جهت "دمکراتیزه" و "قانونی" کردن هیئت حاکمه اروگوئه، رفراندوم نوامبر سال ۱۹۸۲ برای انتخابات نهاد های رهبری احزاب علنی بود. با اینکه با توجه به شرایط بوجود آمده این انتخابات در اصل افزایشی در دست رژیم نظامی برای "وتوی" ایجاد یک فضای واقعی باز سیاسی بود ۸۴ درصد کسانی که به پای صندوقهای رای رفته بودند به کاندیداهای اپوزیسیون و حزب بزرگ رای دادند، که در طول مبارزات انتخاباتی قول داده بودند در صورت پیروزی در انتخابات امکان فعالیت علنی را برای همه احزاب فراهم خواهد کرد و زتلانین سیاسی را آزاد خواهند نمود.

بنظر حزب کمونیست اروگوئه در زمینه اتفاق نظر و نزدیکی نیروهای اپوزیسیون برای اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و احزاب مترقی در جنبه "فرزنده آمپلیو"، برای مقابله با رژیم دیکتاتوری، گام مهمی به جلو برداشته شده است. این گام امکان عینی برای پیدایش یک فضای باز سیاسی واقعی را فراهم آورده است. کمونیستهای اروگوئه در عین حال تاکید میکنند که دیکتاتوری نظامی هنوز با پر جاست و میبایست با همه قدرت علیه آن مبارزه شود. تمام وقایع اخیر معرف آنست که اکثریت شکننده خلق اروگوئه در راستای ایجاد یک دموکراسی واقعی مبارزه میکنند و نقشه‌های رژیم نظامی نقش بر آب شده است.

نماینده منافع طبقه کارگر است و همچنین حزب سوسیالیست اروگوئه، حزب دمکرات مسیحی و جنبه مؤتلف احزاب دمکراتیک بنام "فرزنده آمپلیو" از فعالیت علنی محروم شده‌اند.

با قانون جدید سندیگایی این هدف دنبال میشود که سندیکاهای دارای آگاهی طبقاتی یکبار برای همیشه از بین بروند. این قانون موزیانه میکوشد



از سه سال پیش به اینطرف رژیم نظامی اروگوئه میکوشد با ایجاد "فضای دمکراتیک"، حاشیسه امنیتی برای تثبیت حاکمیت خود خلق کند.

در پشت این "فرمول" جدید کوششهای محافل حاکمه که میخواهند با تظاهر به هواداری از حقوق تصریح شده در قانون اساسی، حکومت دراز مدت خود را برگردنه خلق تحصیل کنند، پنهان شده است. رژیم نظامی برای تحقق چنین برنامه‌های، طرح یک قانون اساسی جدید را پیشنهاد کرده و در ضمن لایحه جدید احزاب، قانون جدید سندیگایی و همچنین، "انتخابات آزاد" برای سال ۱۹۸۴ را در نظر گرفته است.

ولی هر روز آشکارتر میشود که رژیم نظامی همه این نقشه‌ها را بدون مراجعه به خلق و نیروهای دمکراتیک اروگوئه طرح کرده است. این موضوع را همه پرسی اخیر در مورد طرح پیشنهادی برای قانون اساسی جدید بخوبی نمایان ساخت، زیرا علیرغم "شرایط دلخواه"، یعنی ممنوع بودن احزاب چپ و نشریات اپوزیسیون، مردم قاطعانه این طرح را رد کردند. بدین طریق برای هر کسی آشکار شد که خلق اروگوئه خواهان دموکراسی واقعی است. لایحه جدید احزاب نیز در خدمت تثبیت دراز مدت نیروهای حاکمه است. طبق این لایحه فقط دو حزب بزرگ بورژوازی "کلرادو" و "ملی" از فعالیت محدود آزاد و کنترل شده برخوردارند، در حالیکه حزب کمونیست اروگوئه که از ۶۰ سال پیش تا کنون همواره در زندگی اجتماعی کشور نقش داشته و پیگیرترین

امپریالیسم آمریکا از قدران نظامی پاراگوئه حمایت می‌کند

سازمان سیا و پلیس امنیتی آرژانتین در ۲۷ اوت ۱۹۸۰ رفیق آنتونیو مایدانا دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه را در بوئنس آیرس دزدانه دستگیر کردند. بدنیال این آدم ریائی آشکار که به دست مخالفان "تروریسم بین‌المللی" انجام یافت، رفیق مایدانا تحویل مقامات پلیسی رژیم دیکتاتوری نظامی پاراگوئه داده شد و پس از مدتی تغییر محل او در زندانهای مختلف، اکنون او را در زندان نظامی "اسپرازا" در صحرای لم بیزع نزدیک مرز پلیوی، در محلی که جز با هواپیما دسترسی به آن مقدور نیست، در شرایط غیر انسانی به زنجیر کشیده است.

رفیق مایدانا از سال ۱۹۵۸ به جسمرم فعالیت‌های سیاسی و مبارزه در راه استقلال و آزادی پاراگوئه در زندان بسر می‌برد که در نتیجه فشار افکار عمومی مردم جهان در سال ۱۹۷۷ از زندان آزاد گردید. امپریالیسم و عمال‌شش نمی‌توانستند صدای آزاد خلق مستعبد پاراگوئه را تحمل کنند. از اینرو او را در گوشه‌های دیگر از قلمرو انحصارگران آمریکائی دستگیر و به جلا دادن پاراگوئه سپردند.

ما آزادی رفیق آنتونیو مایدانا، این سمبل مبارزه خلق پاراگوئه به خاطر استقلال و آزادی را مصرا خواستاریم و توضیقات ضد دمکراتیک و ضد انسانی رژیم دیکتاتوری نظامی را در پاراگوئه شیدا محکوم می‌کنیم.

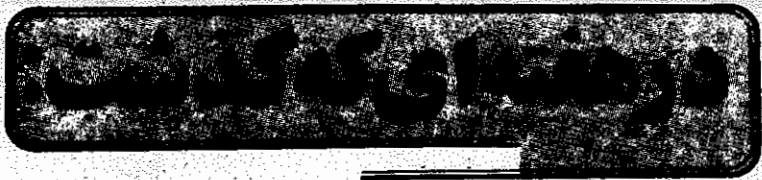
پاراگوئه همراه است، کاملاً طبیعی و کاملاً منطقی است. امپریالیسم آمریکا قلد رهای قدره‌کنش رژیمهای ستگر را زائیده و پروانده است تا از قبل آنان خلقهای این کشورها را به غارت ببرد و از نیروی انسانی- نظامی جمع‌آنان برای اعمال سیاست‌های امپریالیستی خود در سرتاسر جنبه بهره جوید.

مردم پاراگوئه و حزب کمونیست آن با الهام از پیشروی مبارزات آزاد بخش خلقهای آمریکای لاتین و وضع جدید امید بخش سیاسی در آمریکا مرکزی به این مبارزه دشوار علیه دیکتاتوری دست نشانده امپریالیسم با استقامت و شهامت ادامه می‌دهند. نه حکومت‌های نظامی ۵۰ ساله، نه زندانها و شکنجه‌ها و اعدام‌ها نتوانسته است پایه‌های لرزان حکومت نظامی دیکتاتور سرسپرده پاراگوئه استرسز را مستحکم سازد. امروز این نظام وابسته حتی از سایه خود هراسان است. دیکتاتور منزوی شده و خشم خلق، بهمن وار، افزایش می‌یابد.

احساس ضعف واقعی دیکتاتور و هراس از قدرت روزافزون مقاومت زحمتکشان پاراگوئه است که

کشور پاراگوئه در آمریکای جنوبی از جمله کشورهای است که به دست امپریالیسم آمریکا و مابشران داخلی به زندان خلق پاراگوئه و منیع غارتگری امپریالیسم تبدیل شده است. حکومت‌های نظامی فرماندهان قلدر برای خلق خود و غلامان گوش‌بفرمان برای امپریالیسم آمریکا ۵۰ سال است که بر مردم مستعبد پاراگوئه حکم می‌رانند.

همه حقوق و آزادی‌های دمکراتیک از زحمتکشان دانشجویان، فرهنگیان و دیگر اقشار خلق پاراگوئه سلب گردیده است. سازمانهای دمکراتیک و مترقی حق فعالیت آزاد ندارند. هرگونه اجتماعی بیش از سه نفر ممنوع است. دستگاه حاکمه گوش‌بفرمان امپریالیسم مردم را مجبور می‌کند که مانند دوران شاه معدوم در ایران در حزب دولتی نام نویسی کنند. پاراگوئه از جمله آن عده کشورهای جهان است که حقوق بشر در آنجا بی‌مهابا و به شدت پایمال می‌شود. با وجود ستگری چنین دیکتاتوری خونینی، دولت آمریکا شمالی "اقدامات دمکراتیک" رژیم پاراگوئه را تهنیت می‌گوید. چنین تبریک و تهنیتی که بسا حمایت از قدران بر سر نیزه نشسته نظامی



موضوع اصلی نبرد، نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است

نبرد "دو خط" در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تشدید شده است. موضوع اصلی نبرد، نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. خطر راستگرا با تمام "دسته گسل" ها و "شاهکار" هایش در مقابل خط امام قد علم کرده و با پیش نویس ارتجاعی آقای توکلی، بنا بر رد کردن مصوبات انقلابی مجلس شورای اسلامی در مورد اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی و ... به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داده است.

در مقابل این خطر راستگرا، توده های زحمتکش میهن ما قرار گرفته اند که با مبارزه بی امان خود علیه دشمنان انقلاب، در عرصه دفاع از حقوق حقه خود نیز هر روز وسیعتر و یکپارچه تر به میدان می آیند. آنها از مسئولین و دولتمردان خط امامی می طلبند که پیگیرانسه و با قاطعیت برسالت خویش در قبال شهیدای انقلاب و در قبال توده های مستضعف میهن ما عمل کنند و نگذارند قانون اساسی، این خون بهای شهیدای انقلاب، پایمال ترکانازی های راستگرایان مخالف خط امام گردد.

هر چند که در ماههای گذشته مخالفین راستگرای خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مواضع مهمی را از جنگ بیرونی راستین خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بیرون آوردند، وقایع روزهای گذشته نشان می دهد که این هجوم لجام گسیخته راستگرایان به دستاورد های انقلاب که با دستگیری رفقای حزب توده، ایران به اوج خود رسید، هر چند که با موفقیت نسبی برای مخالفین تعمیق انقلاب همراه بوده، اما بسیاری از مسلمانان مبارز و پیروان خط امام، از جمله برخی از مسئولین طراز اول جمهوری را، متوجه خطری ساخته است که انقلاب را تهدید می کند.

دلسوخنگان انقلاب اینک بد نیال راهبایی می گردند که تنها راستگرایان را بغیبت زنند و ضمن حفظ دستاورد های انقلاب، آنها را بسود محرومان و مستضعفان گسترش دهند و تعمیق بخشند.

بازتاب این نبرد در رسانه های گروهی بویژه روزنامه های عصر کشور به وضوح دیده می شود و در کنار واقعیات تکان دهنده این عقیده نیز بیان می شود که:

" باید از موعظه و پند از شعار و هیاهو بگذریم و به وادی عمل پاگذاریم " کیهان

۱۲ اسفند ۶۱
از جمله میخوانیم:

" تروریسم اقتصادی می خواهد با احتکار گرانفروشی، برهم زدن نظام عادلانه توزیع، بیرون کشیدن سرمایه ها از تولید، یک فاصله جهانی در جامعه بوجود آورد ... و گام به گام مناسبات وابسته را احیا کند "

مصاحبه مهم آیت الله موسوی اردبیلی

روز سه شنبه ۱۷ اسفند آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی سخنان مهمی در زمینه کار ستاد پیگیری فرمان امام و مشکلات و نابسامانی های جامعه ایراد کرد که در فضای سیاسی کشور بازتاب گسترده ای داشت.

رئیس دیوان عالی کشور ضمن بر شمردن موارد شکایاتی که به ستاد پیگیری رسیده، به وجود "افشای غیر مسئول و در بعضی از شهرستا - نها و مراکز استان گروههایی" اشاره کرد که "به نام حزب الله ... افراد را گروگان می گرفتند، شکنجه می دادند، سر به نیست می کردند، ترور می کردند به اسم اینکه اینها فاسدند." ایشان پس از ذکر موارد شکایات گفت:

" ما مسئلهای داریم که بنظر می رسد بسیار مهم است. مقدار زیادی شکایات را نمی دانیم چکار کنیم، نه شکایت از شخص است، نه شخصی حقیقی و حقوقی، و نه شکایت از یک ارگان است، و نه ما جایی را سراغ داریم، نه کار داد سرا است، نه کار دادگاه است، نه کار دادگاه انتظالی است. به هیچ کدام مربوط نمی شود. در معنا اینها شکایات نیست. اینها شکوایتهای درد مندانی است، در این اجتماع، به ما منعکس شده است حکایت می کند، و ما جز اینکه این را به کسل اجتماع برگردانیم چاره دیگری نداریم، و من در این نشست این را به این اجتماع برمی گردانم."

آقای موسوی اردبیلی ادامه می دهد:

" برای ماناهایی نوشته می شود کسسه نویسند هاش مستاجر است و موجد حکم تخلیه گرفته. نویسند هاش یک کارگر است، درآمدش کفاف مخارج سنگین عائله او را ندارد. یک روستا - نشین است با یک امکانات مختصر، یا یک حقوق بگیر جز، است یا یک پیشه ور جز، است یا یک انسان ناتوان است، یک خانواده بی سرپرست است که درد خودش را نوشته، در واقع شکایتی ندارد. شکایتش از کل جامعه است، ما باید آنرا به کسل جامعه منعکس کنیم."

رئیس دیوان عالی کشور با اشاره به وضع نابسامان مستاجرین افزود:

" مستاجری که به دلیل حکم تخلیه قانونی، و این در کنار خیابان دست زن و پچاهش را گرفته و متحیر است کجا برود. رکنار آن موجری کسه دهها اتاق و خانه واحد مسکونی دارد و این

را فقط به دلیل این بیرون ریخته که می خواهد دو برابر، سه برابر اجاره بگیرد یا اصلا می خواهد در خانه را ببندد و اجاره ندهد."

سپس آیت الله موسوی اردبیلی به لزوم تدوین قوانین انقلابی اشاره می کند و می گوید:

" البته حکم تخلیه را گرفتن و مستاجر را بیرون ریختن یا کارگر را از کار بیرون کردن ظاهرا اشکالی (قانونی) ندارد، اما به این ملت همیشه در صحنه می گویم بیاید یا واقعیت ها تصاس بگیریم ... واقعیت های اجتماع ما این است که محروم و مستضعف داریم. این محروم و مستضعف کارگران صنعتی کارخانه ها، کارگران ساده آزد سرکچه و بازار، روستا نشینان، دهقانان، پیشه وران جز، حقوق بگیران سطح پایین، اینها را داریم آیا اجتماع در محرومیت اینها، در استضعاف اینها هیچ مقصر نبود؟ ما معتقدیم این نظام ستم شاهی سابق، این قوانین فرسایشی، این افراد ضد خلق و ضد خدا، زمین خواران، متجاوزان به بیت المال، آنتهایی که در سر سفره قدرت اقتصادی و سیاسی نشستند، توده به خاندان منحوس پهلوی و وابستگان آنها عشق می باختمند. آنها بودند، آمدند صاحب آلف و علف شدند و این استضعاف و محرومیت را در جامعه بوجود آوردند."

رئیس دیوان عالی کشور با ذکر چند مورد از غارتگری سرمایه داران و بزرگ مالکان و محرومیت زحمتکشان گفتند:

" حالا ما می خواهیم حق این گروه را به خودشان بدهیم. اینها ضد انقلاب هم نیستند. هنوز هم یار سنگین انقلاب به دوش اینها است. اگر یک دسته در فکر جمع کردن پولند، یا احتکار، یا تقلب، یا هزاران کلک می خواهند پول جمع کنند، اینها در خانه های گلی خودشان نشسته اند و بچه های خردسال فرزندانشان را روی دوششان بزرگ می کنند."

آقای موسوی اردبیلی پس از بیان دیدار خود با خانواده یک شهید زحمتکش ادامه داد:

" ما برای اینکه دین خودمان رو بدین جامعه را به اینها ادا کنیم، باید یک حرکتی داشته باشیم که جامعه چنین چیزهایی را در خود نبیند. این حرکت مربوط به بنده نیست، مربوط به یک فرد نیست، کل جامعه باید این حرکت را داشته باشد. یعنی قوانینی که از بطن آن قوانین اینها بوجود می آیند و در نظام ستم شاهی درست شده اند، آن قوانین را به قوانین عدل اسلامی تحویف کند، و مجلس محترم اسلامی آن قوانین را به تصویب برساند و شورای محترم نگهبان آنها را با موازین اسلامی تطبیق دهند، هیئت دولت وزراء، در پیاده کردن آن قوانین و در اجرای آن قوانین کوشش کنند به نفع این محرومین و مستضعفین، و قوه قضایی از قدرت قضایی استفاده کند، کلا " حرکت کنند به سوی مبارزه با استضعاف، مبارزه با محرومیت، یک مبارزه عملی اگر چنین کاری را نکنیم فردا دیر است. اگر ما بگویم کارها را می خواهیم تدریجا انجام بدهیم این یک واقعیت است. اما واقعیت دیگر این است (که) آن حکم تخلیه امروز اجرا میشود نه فردا."

در زمینه مبارزه با تروریسم اقتصادی آیت الله بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

موسوی اردبیلی گفت:

"روش مبارزه با گران فروشی این نیست که پرتقال فروش را بیاورند دادگاه . یا این کار که آرزائی نمی شود . البته این کار را نمی کنیم تا کنسون روی میز من چندین پرونده ، چند میلیون تومان جریمه آورده شده ، آیا جنسی ارزان شد ؟ نه . علتش این است که این راه مبارزه اصولی نیست ."

سخنان آیت الله موسوی اردبیلی را باید گلی جدی و مثبت در جهت افشای " راه مبارزه غیر اصولی " ای که راستگرایان و حامیان تروریست های اقتصادی برای بی اثر کردن فرمان امام پسه کار می گیرند تلقی کرد . کوشش برای پیاده کردن " راه مبارزه اصولی " یا تروریست های اقتصادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و صاحبان مستغلات بزرگ جز قطع ریشه و پایه های اقتصادی - اجتماعی این تروریست های اقتصادی نیست!

مشکل مسکن بدون لجام زدن به سرمایه داران غارتگر قابل حل نیست!

بد نبال سخنان پر شور آیت الله موسوی اردبیلی در صحابه مطبوعاتی ایشان (که در همین شماره آمده است) ، رئیس دیوان عالی کشور پیشنهاد مشخصی نیز برای حل مشکل مالک و مستاجر ارائه دادند . ایشان در گفتگوی کوتاهی گفتند:

" تا زمانی که مشکل مسکن حل نشد همچنین بحرانی وجود دارد پیشنهاد می کنم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد بیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد . و با این تصویب می توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مسود تلخت و تاز سودا گران نباشد . اگر کسی در این ضرورت تردید دارد لحظاتی در محاکمی که حکم تخلیه می دهند حاضر شود و صفوف طولانی مساجرین را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می کنند ببیند ، سپس دایره کند ."

وزارت مسکن و شهرسازی بد نبال این پیشنهاد آقای موسوی اردبیلی ، طرح مشابهی ارائه داد . و اعلام کرد که این طرح را با قیود فوریت به مجلس تقدیم خواهد کرد .

از مشکل مسکن بارها و بارها در اسناد حزب توده " ایران و از جمله برنامه " صوب پنجم هفت هم کمیته " مرکزی حزب ، بعنوان یک مشکل اجتماعی و میراث شوم " نظام ستیم شاهی " (آقای موسوی اردبیلی) نام برده شده که تنها با لجام زدن به غارتگری صاحبان مستغلات بزرگ و بساز و بفروش ها ممکن است . اینک که جنب و جوشی برای حل این معضل اجتماعی دیده می شود ، ضمن تأیید پیشنهاد

انقلابی آقای موسوی اردبیلی و وزارت مسکن ، توجه خوانندگان راه توده را به راه حلی که حزب توده " ایران در تاریخ ۱۳ آبان ۵۸ در روزنامه مردم شماره ۸۳ برای مشکل مسکن ارائه داده جلب می کنیم :

واگذاری خانه های صادره شده و خانه های عوامل متواری رژیم و اجاره دادن خانه های خلی (که همه اینها در مجموع خود به گفته صاحب نظران از چند هزار فزونتر نیست) ، صا در زمین های متعلق به زمینداران بزرگ و زمین خواران و سفته بازان زمینهای شهری و واگذاری آن به شوراهای شهرستانها و شهرها و بخشها و روستاها ، برای ساختن خانه جهت رخصتشان ، می تواند راهلهای کوتاه مدت برای کاهش دشواری مسکن باشد . این کاریست که بسرعت و با قاطعیت باید انجام گیرد . ولی این راه حل کوتاه مدت ، هنوز برای حل بنیادی مشکل مسکن کافی نیست . فقط سرمایه گذاری های وسیع دولتی ، بویژه در روستاها و شهرهای کوچک ، از طریق برنامه های چند ساله ، تشویقی فعالیت تعاونی های ایجاد مسکن (که در بسیاری از کشورهایی که در جهت حل مشکل مسکن گامهای جدی برداشته اند بازه وسیعتری خوب داشته است) از طریق سرمایه گذاری گروهی از مردم بی خانه ، همراه با کمک دولت ، تنظیم برنامه خانه سازی ، با توجه به مسائل متعدد اجتماعی و کوشش برای کاهش دادن نفوذ و تسلط میان شهر و ده که از فشار مهاجرتی داخلی به شهرهای بزرگ در دراز مدت بکاهد ، مشکل مسکن را طی زمان و بطور بنیادی حل خواهد کرد .

بدون واگذاری اراضی مزروعی به دهقانان ، دستیابی به استقلال اقتصادی و ثبات سیاسی ممکن نیست!

وقایع جاری کشور نشان می دهد که حتی بنا " وتو " نی که شورای نگهبان در مورد لایحه احیا " و واگذاری اراضی مزروعی اعمال کرد ، مبارزه بخاطر اصلاحات ارضی انقلابی نه تنها پایان نیافته ، بلکه تشدید نیز شده است . از جمله آیت الله منتظری یاردیگر بر لزوم رسیدگی به خواسته های دهقانان تأکید کردند و بد نبال آن سرپرست بنیاد مستضعفان در تلگرامی به ایشان اعلام کردند که این بنیاد آماده است " کلیه اراضی مزروعی صادره شده در سراسر کشور به جز اراضی تحت اختیار مجتمع های کشت و صنعت ، باغات ، دامداری ها و حریم کارخانجات را بنا نظر هیئت های واگذاری زمین بطور شرفی و قانونی میان کشاورزان تقسیم کند ."

همچنین ، اعضای هیئت های ۷ نفره سراسر کشور در دومین روز سمینار بررسی مشکلات و مسائل واگذاری زمین با آقای میرحسین موسوی نخست وزیر دیدار کردند . در این دیدار یکی از حکام شرع بر نقش واگذاری اراضی به روستائیان اشاره کرد و آنرا برای حفظ و نیل به استقلال

اقتصادی و ثبات سیاسی کشور لازم شمرده ، سپس آقای موسوی گفت:

" تنها مسئله زمین نیست که برای کشور بصورت مسطهای قابل بحث در آمده باشد ، بلکه مسایلی دیگری هم وجود دارند که باید در باره آنها تصمیم گرفته شود . و اتخاذ تصمیم در مورد این مسایل تنها به یک ارگان مانند دولت مربوط نمی شود ، بلکه به جامعه انقلابی ما و نهاد های دیگر نظام هم ارتباط دارد ."

آقای نخست وزیر با اشاره به " تجارت خارجی و سیستم توزیع یا تعاونی ها و زمینیه تعیین حیطه " فعالیت بخش خصوصی و دولتی ، اصل ۴۹ و مشخص شدن چهارچوب آنها از جهات مختلف کیفی و کمی " و لزوم حل اینگونه مسایل به مساله اراضی مزروعی پرداخت و ادامه داد:

" آبادی روستاها ، بهبودی وضعی کشاورزی و جلوگیری از مهاجرت ها و معانت از توسعه حلی آباد ها ، که لکه ننگی برای نظام ما به حساب می آید ، از مهمترین مسایلی است که طبیعتاً " دولت برای اجابت این خواسته ها به ابزاری نیاز دارد که همان ، روشن شدن وضع اراضی مزروعی از نظر قانونی است . چون دولت باید ستان تهیه و هیئت های ۷ نفره یا پلانکیفی با این مسئله مواجه هستند ."

سپس آقای موسوی بر لزوم برخورد قاطع بنا ملاکینی که زمین آنها صادره شده و در بعضی نقاط با بازگشت به مناطق ایجاد مزاحمت کرده اند تأکید کردند و حمایت دولت را از هیئت های ۷ نفره و عملکرد انقلابی آنها ، بالاخره با تصویب یک قانون انقلابی اصلاحات ارضی جاهه " طوسی و قانونی بخود ببوشد و با شکستن کم بزرگ مالکی ، زمینه شکوفای سازی اقتصاد کشاورزی فراهم کرد ."

نکاتی در باره طرح طبقه بندی مشاغل

بقیه از صفحه ۱۴
این مدت ۷۵ درصد مزد گروه استحقاقی را دریافت خواهند نمود با توجه به اینکه بخش اعظم ملیونی کارگران میهن ما فاقد تخصص اند و به صورت کارگر ساده استخدام می شوند ، این ماده وسیله ای در دست کارفرمایان است تا کارگران را برای مدتی به عنوان آزمایشی (که مدت آن نیز در طرح مشخص نیست) بیا ۲۵ درصد کمتر از حقوق تعیین شده استخدام کند و بعد از مدتی آنها را اخراج کرده و کارگر (۷ ماده ۲۰ این " دستور العمل " در مورد حل اختلاف چنین می گوید : " . . . در حلقه اول کمیته طبقه بندی مشاغل - که ترکیب آن نیز در طرح روشن نیست - به موضوع رسیدگی نموده و در صورت عدم حصول نتیجه ، موضوع جهت حکمت به وزارت کار و امور اجتماعی ارجاع می گردد و نظر وزارت کار و امور اجتماعی در آن مورد قطعی و لازم الاجراست ."

آیا با وجود وزارت کار فعلی و افرادی چون توکلی - رضائی می توان امید داشت که آنها بنفع کارگران و به ضرر کارفرمایان نظر " قطعی و لازم الاجرا " صادر نمایند ؟!

"حالی درون پرده بسی فتنه می رود"

ایجاد نفوذ در میان نیروهای مهربان پرست با القاء افکار مسموم از طریق بسیج رسانه های گروهی امپریالیستی جهت چاپ اکاذیب و وارونه جلوه دادن واقعیت و آنچه در وطن جامعه انقلابی ایران و اطراف آن میگذرد و سپس بازتاب آن - اکاذیب در محافل سیاسی و مطبوعاتی داخلی یکی از دهنها نشانهای است که قصد امپریالیسم را به استناد نیت سوم نمایندگان آن خود و دست اندازی مجدد به منابع ملی ایران انقلابی از یک طرف و هجوم بزرگ مالکان و سرمایه داران را برای دستبرد به دست آوردهای انقلاب بزرگ ایران و مخفی ساختن اقدامات ضد ملی خویش از طرف دستاورد می سازد .

این اکاذیب که نسخه های "اشغال افغانستان توسط شوروی" ، "خطر کمونیسم" ، "معاملات بین شرق و غرب روی مسائل جهانی" ، کودتای چپ در ایران" ، "دولت حزب توده" و این روزها "حرائم جاسوسی و جعل اسناد" به بخشی از رهبران

فدایا حزب ما در عطاری امپریالیسم پیچیده میشود و با تمام تلخی و میمومیتی که دارند از جانب برخی از "اربابان خرابد کشور در کمپول تحلیل مزدورانه به خورد جامعه ایران داده میشوند برای مردم آگاه مهین ما تازگی ندارد . آنها از قماش همان اکاذیب شومی است که برای پرده پوشی تدارک مقدمان کودتای امپریالیستی - ارتجاعی بیست و هشتم مرداد بهار گرفته شده بودند .

و اکنون با توطئه علیه حزب توده - ایران و دستگیری بخشی از رهبران آن وارد مرحله عملی خود که در این مرحله مسخ انقلاب است ، شده اند . در روزنامه انگلیسی مرسینگ استار شماره چهارم زانویه سال جاری میلادی نوشته ای تحت عنوان "چرچیل از آمریکا تنهای کمک برای مقابله با ایران کرد" چاپ شده که توجه به آن با اینکه مربوط به دوران مبارزه ملت ایران در راه ملی شدن صنایع نفت در سی و اندی سال پیش است ولی در افشا

طرح ها و معاملات شوم میان "غرب و غرب" و تنه میان "شرق و غرب" ، راهمیت و بزه های برخورد از است . عیناً آن نوشته از نظر خوانندگان "راه" توده میگذرد .

در سال ۱۹۵۲ چرچیل در مقابل هاری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا زانو زده ، از وی خواهش کرد که در مبارزه علیه ملی شدن نفت ایران از - بریتانیا پشتیبانی کند . چرچیل در مقابل تعهد کرد که در صورت بروز جنگ اتمی ، بریتانیا همچیز خود را برای آمریکا فدا خواهد کرد .

در زمانی که ایالت متحده آمریکا نقشه میکشید تا در صورت حل و فصل اختلافات میان لندن و دولت صدق ، جانشین انگلیس به عنوان قدرت استعماری عمده در ایران شود ، چرچیل تصمیم گرفت که خود مستقیماً به آقای ترومن نامه بنویسد .

وی در نامه خود متذکر میشود که شایعاتی مبنی بر اینکه "شرکتهای نفتی آمریکا کوشش میکنند تا جای ما را در منطقه نفت خیز ایران بگیرند" بگوش همبرسد . وی همچنین خاطر نشان میکند که اگر این شایعات با حقیقت منطبق باشند ، "مناسبات و جدالهای سختی در این کشور (منظور بریتانیا است) در خواهد گرفت" .

در عین حال ، چرچیل در نامه اش مینویسد که بریتانیا حاضر است همه چیزش را در راه پیمان خود با ایالات متحده از دست بدهد " در صورتی که یک جنگ اتمی آغاز شود هیچ کشوری داودطلبانه مانند ما ریسک نمیکند" .

در آن زمان نظر آمریکا این بود که اگر بریتانیا نفت ایران را تحریم کند اقتصاد ایران از هم خواهد پاشید و در نتیجه یک دولت حزب توده (یعنی یک دولت کمونیست) به روی کار خواهد آمد . لیکن دلیل اصلی این بدبینی وزیران و مقامات رسمی بریتانیا این بود که شکست دادن سیاست ملی شدن نفت ایران برای آنها بسیار با اهمیت بود .

در صورتی که این سیاست صدق در ایران به موفقیت دست یافت ، یک واکنش زنجیرهای سیاستهای مشابه در کشورهای دیگری که اقتصادشان تحت کنترل منافع بریتانیا بود آغاز میشد .

در زمانیکه وزیران و مشاوران آنها در باره قابل قبول بودن یا نبودن طرحهای سازش یا دولت - ایسراون میان خود بحث میکردند ، حرکات دیگری در شرف تدوین بودند . نقشه حمله مستقیم نظامی به ایران از طرف بریتانیا ، که در زمان دولت لیبر است سابق (۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵) مطرح شده بود ، مورد توجه مقامات دولت محافظه کار قرار گرفت .

در عوض در زمان دولت محافظه کار توجه هرچنده بیستری به نقشه یک کودتای نظامی ساخته و پرداخته از خارج داده شد .

در تاریخ ۱۶ / زانویه ۱۹۵۱ (۱۶ بهمن ۱۳۳۰) سفیر بریتانیا در تهران ، سر فرانسیس می جی شیه پرد ، به وزارت خارجه کشور متوجه چنین گزارش داد "تنها امید ایران برای نجات از استیلائی کمونیسم ، یک کودتای غیر کمونیست است که آن هم بهتر است بنام شاه باشد" .

آیا اکنون هم "تنها امید برای نجات ایران از استیلائی کمونیسم" ، مسخ انقلاب ، که آن هم بهتر است "بنام اسلام" باشد ، در برنامه امپریالیسم و راستگرایان و مخالفان نامین عدالتناهیست ، که مسلمانان مبارز پسر و خط امام بر هرچیز خود نوشته اند ، نیست ؟

نکاتی درباره طرح طبقه بندی مشاغل

گویا این "دستور العمل" فقط توصیه نامه ایست برای "یکسان کردن روش" کارفرمایان ، که سه بخوانند کارگاه خود را طبقه بندی کنند .

۱) این طرح ارتقا ، شغلی کارگران را به شرط موافقت کارفرمایان ممکن کرده است . کارفرما می تواند کارگرانی که استحقاق ترقی شغلی دارند ، بدلیل مستقیم مثلاً "تصویب مدیریت جهت ارتقا" (ماده ۱۲ - هـ) و یا غیر مستقیم مثلاً به دلیل نبودن "پست بلا تصدی در گروه بالاتر" (ماده ۱۲ - الف) ، از این حقوق محروم کند .

۲) این طرح کارگاههایی را که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند از شمول این طرح نیم بند نیز محروم می کند ؛ "ضوابط تهیه و اجرا" . (الف - ۲) و باین ترتیب میلیون ها کارگر زحمتکش بدون هیچگونه ضابطه کاری فقط به علت احتیاج باید به تمام شرایط کارفرما تن دهند .

۳) این طرح در رابطه با تغییرات هزینه زندگی و حداقل حقوق کارگران سکوت اختیار کرده و کارگران را در برابر بالا رفتن سرسام آور هزینه زندگی بی دفاع می نماید .

۴) این "دستور العمل" از تشکلهای کارگری شوهرها و سندیکاها گویا هراس دارد و هیچ نامی از آنان نبرده است . نکته ضحیف دیگر این طرح آن است ، که قرارداد نه به صورت جمعی از طرف شوهرها و سندیکاها با کارفرمایان ، بلکه به صورت فردی منعقد می شود ، تا بدین طریق یکبار دیگر منافع کارفرمایان تأمین گردد .

۵) اسفنازترین بخش این "دستور العمل" دوره آزمایشی " آن است ، ماده ۱۶ این دستور العمل " می گوید ؛ "کارکنان جدید - استخدام شده ، که دوره آزمایشی را طی می کنند ، در طبقه در صفحه ۱۳

سرانجام بعد از دو سال و نیم تاخیر از طرف وزارت کار و امور اجتماعی "دستور العمل جدید اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل کارگران" منتشر شد .

وظیفه طرح طبقه بندی مشاغل تنظیم ضوابط ارتقا ، شغلی و در نتیجه آن ازدیاد درآمد کارگران است . لازم به توضیح است ، که طرح طبقه بندی مشاغل فقط در ارتباط با قانون کار مترقی می تواند به نفع زحمتکشان عمل کند و جوابگوی خواسته های بحق کارگران باشد . چنین طرحی باید بر دو اصل "پرداخت بر اساس کیفیت و کمیت کار" و "مزد یکسان در برابر کار یکسان" استوار باشد . ولی طرح ارائه شده توسط وزارت کار ، عملاً آن روی سکه پیش نویس قانون کاری است ، که کارگران آن را به درستی ضد کارگری ارزیابی کردند .

لازم به تذکر است که در زمان رژیم دیکتاتوری گذشته "محمد رضا" و در اثر مبارزات پیگیر کارگران میهنمان ، طرح طبقه بندی مشاغل در سال ۱۳۵۲ تصویب شد ، که با تمام نواقضش گامی به جلو بردستیابی کارگران به حقوق خود بود .

در متن "دستور العمل" . . . "منتشر شده از جهت نظام ارزشیابی و توافقاته نمونه ای ، که در "بندج" از مفاد طرح به آن اشاره می شود ، خبری نیست . یا فقدان این اطلاعات البته نمی توان یک تحلیل همه جانبه از این طرح را ارائه داد . لذا تحلیل حاضر تنها بعضی مواد این "دستور العمل" منتشره را در بر می گیرد .

۱) آنچه در مرحله اول جلب توجه می کند و از "طرح طبقه بندی مشاغل" سال ۵۲ طاغوت نیز قدمی به عقب است ، "حق" است غیر قابل کنترل ، که کارفرمایان در اجرائی این طرح در اختیار دارند . در تمام ۲۲ ماده و ۸ تبصره این طرح هیچ جا کنترلی را در برابر کارفرما نمی بینیم .

معرفی کتاب

بقیه از صفحه ۱۰

شمار دهقانان ثروتمند و بورژوازی ده ، به تحکیم مواضع اقتصادی و نفوذ سیاسی آنها کمک کرده است . این امر در مورد مصر و سایر کشورها صادق است . جمهوری به خاطر نشان می کند که دهقانان میانه حال ، که وسعت اراضی شان بین ۵ تا ۲۰ فدان است و تعدادشان به ۱۴۵ هزار نفر می رسد ، ۱۷/۷ درصد تمام اراضی زیر کشت را در اختیار دارند . همین روزنامه خاطر نشان می سازد که ، در اوج فصل کشت ، این دهقانان به استعمار دهقانان بی زمین و یا کم زمین ، و کارگران فصلی می پردازند .

این دهقانان میانه حال ، به عنوان یکی از بانفوذترین گروه ها ، نقش عمده ای را در شورای اداری تعاونی ها و شورای روستاها ایفا می کنند . در برخی از روستاها و نواحی مسکونی آنها بیشتر از ۷۰ درصد اعضای کمیته های اتحاد سوسیالیستی عرب را تشکیل می دهند .

در سال های ۷۲ - ۱۹۷۱ ، برخی تغییرات ، بمنظور تجدید نظر جزئی ، در رابطه با اصلاحات ارضی انجام گرفت . برای نمونه ، تصمیم گرفته شد که طی یک دوره ۹ ساله به پنج هزار زمینداری که مازاد زمین هایشان (مازاد بر ۵۰ فدان مجاز) بنا به قانون ۱۹۶۹ صادره شده ، غرامت پرداخت شود . در سال ۱۹۷۲ بنا به تصمیم رئیس جمهور مبنی بر لغو فرمان "محرومیت سیاسی" ۱۳۰ هزار نفر که در چارچوب قوانین ارضی و سایر قوانین مترقی از شرکت در زندگی سیاسی محروم شده بودند ، مورد عفو قرار گرفتند . در سال ۱۹۷۵ تصمیم گرفته شد نرخ اجاره زمین های که به دهقانان اجاره داده می شود به میزان ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یابد .

در سوره اصلاحات ارضی بنادین انجام گرفته است . بنا به آمار رسمی منتشر شده در سومین کنفرانس فدراسیون عمومی دهقانان سوریه (آوریل ۱۹۷۰) ، طی دوره اصلاحات ، از ۱/۵ میلیون هکتار زمین مالکان بزرگ سلب مالکیت شد . در آن زمان از زمین های صادره شده ۷۸۰۷۶۲ هکتار میان ۵۲۵۰۴ خانوار دهقانی تقسیم شد . بعلاوه ۳۷۹۳۲۸ هکتار از اراضی دولتی میان ۳۲۱۲۰ خانوار دهقانان کم زمین و فقیر ، که عموماً این اراضی را ، اجاره می کردند ، با شرایط مناسبی ، یعنی پرداخت یک چهارم قیمت زمین ، تقسیم شد .

رهبران بره نیز مناسبات قدیمی در روستا را منهدم کرده اند . با انجام قوانین مصوب سال های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ ، و نیز اقدامات متعاقب آن پرداخت بهره مالکانه به اربابان موقوف شد و اراضی که در مالکیت دولت بود به دهقانان انتقال یافت . شالوده استعمار فئودالی ، زمینداری و رباخواری در کشاورزی بطور جدی به محاطره افتاد . طبقه اشراف فئودال و زمینداران ثروتمند رو به انقراض است ، و واسطه های سوداگر عمدتاً از میان برداشته شده اند .

اغیراً " در الجزایر ، اصلاحات ارضی در بخش خصوصی انجام گرفت . در اول نوامبر ۱۹۷۵ منشور انقلاب ارضی تصویب شد . همچنانکه رهبران الجزایر بارها تأکید کرده اند ، تحقق این منشور یکی از هدف های کلیدی پیشرفت اجتماعی کشور است . هدف این منشور بنا نهادن کشاورزی بر اساس تکنیک مدرن ، محدود کردن اراضی بزرگ ، توزیع زمین میان فقیرترین دهقانان ، و تأسیس تعاونی ها است . بعلاوه ، هدف رسمی این اصلاحات ارضی تشویق فعالیت سیاسی دهقانان است . آغاز مرحله اول اصلاحات ارضی رسماً در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲ اعلام شد . هدف مرحله اول ثبت زمین های جماعتی ، اراضی متعلق به سازمان های مذهبی اخلاقی و دولتی ، انتقال آنها به ذخیره "انقلاب ارضی" برای توزیع میان دهقانان بی زمین و کم زمین بود . در دوره سه ساله ، مرحله اول "انقلاب ارضی" ۸۰۰ هزار هکتار از

اراضی دولتی میان ۵۲۷۰۰ دهقان بی زمین و کم زمین توزیع شد . خواری بومدین در نخستین سالگت "انقلاب ارضی" آغاز مرحله دوم اصلاحات ارضی را اعلام کرد . این مرحله تأثیر مستقیمی بر منافع زمینداران بزرگ می گذاشت ، زیرا هدف آن ملی کردن و محدود ساختن مالکیت بزرگ ارضی ، توزیع این اراضی میان دهقانان بی زمین و توسعه بیشتر تعاونی ها میان دهقانان الجزایری بود . بالاخره ، مرحله سوم اصلاحات ارضی متضمن بهبود وضع شبنان و بهره برداری از منابع جنگلی و آبی بود . در جریان اصلاحات ارضی بیش از ۶۰۰۰ تعاونی از انواع مختلف تأسیس شد و کار در راستای سازماندهی "دهکده های سوسیالیستی" آغاز گشت ، پیش بینی شده است که تا سال ۱۹۸۰ تعداد صد عدد از این دهکده ها بنا شود . اتحادیه ملی دهقانان الجزایر در مارس ۱۹۷۳ تشکیل شد و در اوایل ۱۹۷۴ یک میلیون عضو داشت .

یکی از مشخصات مهم اصلاحات ارضی در کشورهای مترقی این است که اصلاحات یاد شده به بهبود وضع دهقانان فقیر ، ایجاد تعاونی ها و دادن انواع کمک به آنها می انجامد .

رژیم های انقلابی دیگر تکنیک پیشرفت اقتصادی سریع و فلبه بر عقب ماندگی اقتصادی را بمثابة یکی از هدف های اصلی خود اعلام کرده اند . این رژیم ها با در نظر داشتن این هدف ، اصل برنامه ریزی را بکار می گیرند . تمام کشورهای دارای سمتگیری سوسیالیستی بدون استثنا ، برنامه ریزی اقتصادی برای دوره های چند ساله را مورد توجه قرار داده اند . در تعدادی از این کشورها تبدیل تحکیم مواضع بخش عمومی و محدود شدن قلمرو نفوذ انحصارات خارجی و انباشت تجربیات ، این برنامه ها روز بروز واقع گرایانه تر می شوند . در برخی از کشورها ارگان های دائمی برای برنامه ریزی تأسیس شده است .

مثلاً در مصر ، تولید ناخالص ملی در دهه شصت و رهبری جمال عبدالناصر بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت . مصر از یک کشور کشاورزی به یک کشور کشاورزی - صنعتی تبدیل شد . الجزایر نیز در رشد اقتصادی به پیشرفت های مهمی نائل آمده است . محصول نفت و گاز بطور چشمگیری افزایش یافته و ایجاد صنایع جدید ، فوق العاده پیشرفت کرده است . محصول صنعتی و کشاورزی تا زمان این زمان کسب استقلال فوق العاده افزایش یافته است . در دوره برنامه پنج ساله اول (۱۹۶۵ - ۶۹) صنایع کشور از تمام دوران پیشین تاریخ تا زمان پیشرفت بیشتری کرد . البته بخاطر سطح فوق العاده نازل آغازین رشد و فقر فوق العاده ، این افزایش نمی تواند به پیشرفت اقتصادی جدی بیانجامد . تولید محصولات دارای بازار فروش چون پنبه ، قهوه و نیشکر افزایش زیادی پیدا کرد .

در برمه ، شورای انقلاب کار دشواری را برای برآوردن اقتصاد از راه توسعه کشاورزی و صنعت در ارتباط با استخراج مواد خام محلی انجام می دهد . در برمه به ایجاد صنایع سنگین و حمل و نقل نیز توجه زیادی می شود .

اما بنا به دلایل گوناگون ، تمام این کرش ها نتایج مورد نظر را به بار نیاورده است . افزایش چشمگیری در تولید کشاورزی بوجود نیامده و چنانکه مطبوعات برمه خاطر نشان می سازند ، موفقیت صنایع رضایت بخش نبوده است . شورای انقلاب اخیراً گام های تازه ای برای بهبود وضع برداشته است .

تجربه نشان می دهد که وقتی یک رژیم انقلابی به دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی بنیادین دست می زند ، ناگزیر منابع و مشکلات موقتی در تولید مادی پدید می آید . این امر نتیجه تغییر سمتگیری اجتماعی و اقتصادی رشد و مقابله مناسبات رضایتمندی محلی و خارجی است . این گرایش بویژه در کشورهای نوا ، استقلال بخاطر عقب ماندگی و فقر این کشورها و عوامل تشدید کننده عینی و ذهنی دیگر ، بنوع چشمگیری نمایان است .

با الهام از حضرت امام جنگ را تمام کنیم

بقیه از صفحه ۴

لان جمهوری اسلامی را برای یافتن یک شکل مسا - لمت آمیز برای پایان جنگ بسیار باز می آید . باید با جسارت انقلابی ، واقع بینانه و با استفاده از تمام راه های مسالمت آمیز موجود ، به جنسک پایان داد . باید خواستی را که آیت الله موسوی اردبیلی ، با الهام گرفتن از امام خمینی ، رهبر انقلاب ، بیان کرده است و خواست همه انقلابیون راستین میهن ما ، خواست همه زحمتکشان میهن ما نیز هست ، تحقق بخشید !

گوشه ای از تاریخچه انتشار افکار مارکس در ایران

بقیه از صفحه ۸

بکار بردن تمام امکانات خود قسمتهایی از آثار مارکس و یا بعبارت دیگر فصل هایی از تالیفات وی را به زبان فارسی ترجمه و منتشر کند . در سالهای اختفا از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ حزب تمام امکانات خود را در این زمینه ادامه داد . در این سالها اعضا و رفقای رهبری حزب که به اجبار در مهاجرت بسر می بردند آثار پیشماری از تالیفات کارل مارکس و فریدریش انگلس و همچنین ولادیمیر ایلیچ لنین را ترجمه و منتشر کردند . این آثار نه تنها در بین ایرانیان مقیم خارج توزیع می شد بلکه با وسائل مختلفی به ایران فرستاده می شد و این خود یک عصبانیت

فوق العاده ای بود . حتی در تاریکترین دوران دیکتاتوری شاه حزب توانست برای زحمتکشان ایران بلا انقطاع آثار کلاسیک مارکسیسم لنینیسم را تهیه کند . یک وظیفه انقلابی بزرگی که حزب در برابر خود گذاشت ترجمه اثر بزرگ کارل مارکس سرمایه بود . سیزده همین پلوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در سال ۱۹۶۹ تشکیل شد اهمیت این وظیفه را تأکید کرد . کوشش حزب و رفیقی که چنیسن وظیفه برمسئولیتی را بعهده گرفته بود کاملاً رضایت بخش بود . سرمایه به زبان فارسی ترجمه شد . دو جلد آن تاکنون منتشر و جلد سوم آن هم بزودی انتشار خواهد یافت . در مهاجرت تقریباً تمام آثار لنین ترجمه شد . این آثار در فرم های کوچک و گاهی به کوچکی قتی کبیریت سه چاپ رسید و به شیوه های مختلف به ایسران رسانده شد .



تشدید مقاومت

تشکیل "فرماندهی مرکزی" نیروهای داخله سریع آمریکایی و استقرار آنها در منطقه قیابوس هند، حاور نزدیک و خلیج فارس با مقاومت گسترده در کشورهای واقع در این مناطق روبرو میشود. روزنامهها، سیاستمداران و مسئولین رسمی کشورهای مذکور اعتراض خود را علیه سیاست مقابله جویانه و تسلط طلبانه امپریالیستی و تهدیدات مستقیم نظامی آمریکا اعلام میکنند. نیروهای مشرقی در هند این اقدام را قاطعانه محکوم کرده و تاکید کردند که علیه این سیاست مقاومت خواهند کرد. حزب کمونیست هند، تشکیل "فرماندهی مرکزی" را خطری جدی برای منافع ملی، حق حاکمیت و امنیت خلیجهای منطقه ارزیابی کرد. حزب کمونیست هند همچنین به تلاشهای آمریکا برای کاربرد تمام وسائل نظامی و سیاسی علیه کشورهای در حال رشدی که سیاست مستقلی دنبال کرده و وزیران دستورات واشینگتن نمیروند اشاره کرد. دولت جزیره موریس نیز با محکوم کردن سیاست آمریکا خواستار باز پس دادن جزیره دیگو گارسیا به این کشور شد.

تظاهرات صلح زنان

هزاران زن از چندین کشور اروپایی و همچنین نمایندگانی از جنبش زنان صلح از آمریکا، کانادا، استرالیا و ژانده سو در بروکسل، پایتخت بلژیک و مقر ناتو با خواست پایان دادن به افزایش تسلیحات و علیه استقرار موشکهای میانبرد در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات نقطه اوج کارزار

بود که "لیگای بین المللی زنان برای صلح و آزادی" با جمع آوری صدها هزار امضا و ترتیب اجتماعات اعتراضی آغاز کرده بود. سخنرانان در میتینگ پایان تظاهرات تاکید کردند که سازمانهای زنان در تمام نقاط جهان فعالانه در جنبش صلح شرکت میکنند تا از استقرار موشکهای جدید در اروپای غربی و دیگر نقاط جهان جلوگیری نمایند. آنها موکدا خواستار تقلیل تعداد سلاحهای موجود هستهای و خلع سلاح شدند. نمایندگان سازمانهای زنان قبل از تظاهرات با حضور در مقر ناتو و نمایندگانی های کشورهای دارای سلاح هستهای نگرانی خود را از تهدید هستهای و مخالفت خود را با استقرار موشکهای جدید آمریکایی اعلام داشتند.

اعتصاب عمومی

بیش از یک میلیون زحمتکش پسر و در اعتصاب عمومی پنجشنبه هفته گذشته شرکت کردند. زحمتکشان پرو، با این اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته، خواست خود مبنی بر لزوم در پیش گرفتن سیاست اقتصادی منطقی با منافع ملی کشور را تاکید کردند. سیاست اقتصادی دولت کنونی کشور باعث افزایش هزینه زندگی و بیکاری شده است. دولت این کشور با وضع حکومت نظامی ۵ روزه در پایتخت کشور لیما، واکنش شدیدی در مقابل این اعتصاب نشان داد. طبق گزارش روزنامهها، ۴ نفر در حملههای پلیس به اعتصابیون کشته و عدهای زخمی شدند. تعداد بازداشت شدگان چند صد نفر تخمین زده شده است.

جنایت شیمیایی

طبق اظهارات یک دانشمند ویتنامی، پیآمدهای استعمال سلاحهای شیمیایی در ویتنام که توسط آمریکا طی سالهای ۱۹۶۱ تا

۱۹۷۵ انجام گرفت، در جنوب این کشور تا ۱۰۰ سال دیگر نیز محسوس خواهد بود. این دانشمند ویتنامی که برای اعضای کمیسیون خلع سلاح در ژنو گزارش میداد افزود که عواقب این جنایت چه برای محیط زیست در ویتنام و چه بر ارگانهای ارثی انسانها غیرقابل تصور است. وی نتایج سمپوزیوم پزشکی بین المللی را که چندی پیش در شهر هوشی مین انجام گرفته بود به اطلاع حضار رساند.

طبق بررسیهای دانشمندان ۴۳٪ مناطق جنگلی و ۱۲٪ زمینهای قابل کشت ویتنام با استعمال این مواد از بین رفته اند. پژوهشهای پزشکی افزایش تولد کودکان ناقص یا عجیب الخلقه در خانوادههایی که حداقل یکی از والدین آن تحت تاثیر این مواد قرار گرفته اند را نشان میدهند. تعداد افرادی که به بیماری کبد مبتلا میشوند نیز بطور بسیار خطرناکی افزایش یافته است.

بیکاری در کانادا

بحران اقتصادی در کانادا هر روز دامنه وسیعتری مییابد. رکود اقتصادی و پی آمد آن افزایش بیکاری تمام اقشار کم درآمد جامعه را با خطر جدی روبرو ساخته است. دامنه بیکاری دیگر از محدوده صنایع جداگانه یا فراتر گذاشته و تقریباً تمام بخشهای اقتصادی این کشور را فرا گرفته است. طبق آمار رسمی، تعداد بیکاران ۱/۶ میلیون تن میباشد که این رقم در ۵۰ سال اخیر بیسابقه بوده است. روزانه ۱۱۳ شرکت کوچک و متوسط ورشکست میشوند. بسیاری از مناطق مسکونی که در آنها کارخانههای یا معدنی وجود داشت، در پی ورشکستگی و از کار ایستادن کارخانه، خالی از سکنه شده و ساکنین آن به مناطق دیگر و عمدتاً شهرهای بزرگ کوچ کرده اند. درصد بیکاران در میان کارگران معدن بالاترین رقم را داراست و از هر ۲ کارگر، یکی در جستجوی کار است. تاثیر اوضاع وخیم اقتصادی کشور و بیکاری فزاینده بر وضع اجتماعی مردم غیر قابل انکار گشته است. تعداد خانوادههایی که گذران روز آنها بسته به اداره تامین اجتماعی است به سرز هفت صد هزار رسیده است. طبق آمار روزنامهها ۳/۵ میلیون کانادایی در پایین میرز فقر زندگی میکنند.

RAHE TUDEH
No. 33
Friday, 18 Mar. 83

Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1	Italy 350	L.
France 3	Fr. U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 3	Skr.

تصحیح وپوزش

در شماره های ۳۱ و ۳۲ "راه توده" اشتباهات زیر رخ داده اند که ضمن پوزش از خوانندگان عزیز بدینوسیله تصحیح می گردند.

در "راه توده" شماره ۳۱ سطور زیرآبسه آخر مقاله "دلائل دستگیری" اضافه نمائید:

تضمین شده در قانون اساسی اند.

به همین علت به درستی اطلاعات کمیته مرکزی حزب ما، بیورش ناجوانمردانه را به حزب ما و پیازدانت بخشی از رهبری آن را، بیورش به کسل انقلاب ارزیابی می کند.

یک نکته نیز لازم به توضیح است، که مقامات مسئول هنوز پس از گذشتن یک سال و نیم از زمان بازداشت رفقا، دیگری از حزب ما، نسه اسامی آنها را اعلام کرده اند و نه ظل دستگیری آنها را. آنها از ملاقات با خانواده خسود حزب کار سوتیس

محروم بودند.

چه وقت اسامی بازداشت شدگان اخیر اعلام خواهد شد؟

در همان شماره سطور زیر از آخر مقاله "اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه نکذیب می کند" جا افتاده اند و باید به آخر مقاله اضافه شوند:

"آیم که دانشجویان بتوانند مسایل خود را به طور کامل آزاد مطرح نمایند."

در شماره ۳۲ "راه توده" در بیانیه احزاب کمونیست و کارگری، نام بعضی از این احزاب اشتباه درج گردیده که بصورت زیر تصحیح می گردند:

حزب پیشرو زحمتکشان قبرس
حزب پیشرو خلق گویان
حزب انقلابی خلق مغولستان
حزب کار سوتیس